# نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال سیزدهم - شماره ۶۰۰ - یک شنبه ۲ آبان ماه ۱۳۸۹ - ۸ صفحه - ۳۰۰ تومان


## شاهین مستحق پیروزی و لایق برتری ست







حشمت مهاجرانی:

## دعا کنیم مشکلات شاهین حل شود، بعد به فکر آکادمی باشیم

صفحه ۸

رییس مجمع نمایندگان استان بوشهر:

# شتاب توسعه ی استان بوشهر کند است

صفحه ۲



## مدیریت نابسامان فرهنگی در بوشهر

صفحه ۴

## حمله بالگرد نظامی قطری به ماهیگیران ایرانی و ربودن ۶ ماهیگیر بوشهری

صفحه ۵

### دهدشت نمونه‌ای از معماری و شهرسازی صفویه

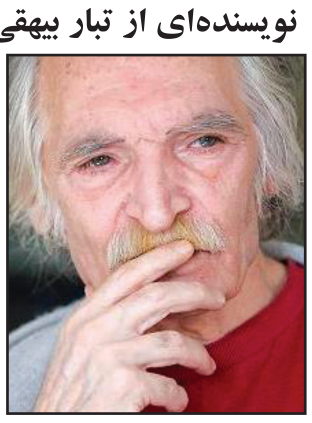
دکتر محمود دهقانی



صفحه ۳

### دولت‌آبادی نویسنده‌ای از تبار بیهقی

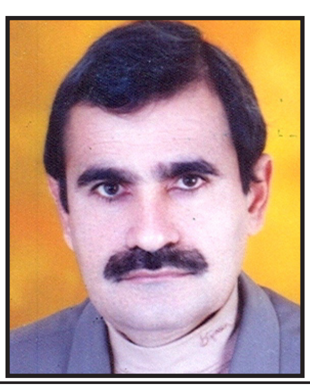
علی دهباشی



صفحه ۴

### نمی توان انتظار معجزه از معلمان داشت

سید محمد حسن درخشنده



صفحه ۵



## خانواده های محترم نیکذات - چهله زاده

درگذشت نابهنگام جوان ناکام شادروان رضا نیکذات ما را نیز اندوهناک ساخت شادی روان آن عزیز و استمرار عمر بازماندگان را خواستاریم.

خانواده های خورشید فقیه - مجید کمشکی

## مناقصه

منطقه پدافند هوایی جنوب (بوشهر) در نظر دارد یک دستگاه یخ ساز با متعلقات مربوطه به همراه نصب آن از طریق مناقصه خریداری و احداث نماید در این راستا شرکت های معتبر فنی که در تخصص های دستگاه های مذکور فعایت دارند دعوت به همکاری می شوند خواهشمند است پیشنهادات خود را با این شماره تلفن ارایه فرمایید.

۴۵۴۸۸۶۱ - ۰۷۷۱

معاونت آماد و پشتیبانی منطقه پدافند هوایی جنوب (بوشهر)



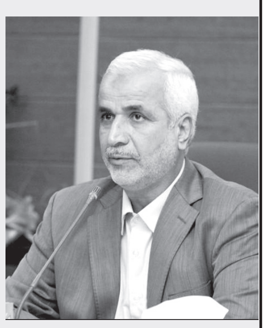
## شهروندانی مسئول نیاز یک شهر زیبا

موسسه فرهنگی ورزشی
شهرداری بندر بوشهر

نسیم جنوب ۲
خبر
شماره ۶۰۰ یکشنبه ۲ آبان ماه ۱۳۸۹
NASIM JANOUB

رییس مجمع نمایندگان استان بوشهر:

## شتاب توسعه ی استان بوشهر کند است



رییس مجمع نمایندگان استان بوشهر گفت: هم اکنون شتاب توسعه در این استان کند است و با این روند نمی توانیم راه به جایی ببریم. غلامعلی میگلی نژاد در نشست شورای اداری استان بوشهر افزود: به رغم همه ظرفیت های موجود در این استان ولی هنوز نسبت به دیگر استانهای برخوردار فاصله زیادی دارد و مسوولان اجرایی نسبت به این مساله توجه داشته باشند. وی با تاکید براینکه فضای کار و خدمت بیشتر در استان بوشهر باید فراهم شود اظهار داشت: خدمت به مردم خدمت به دین اسلام و ولایت است و رضایت مردم نسبت به حکومت را به دنبال دارد. میگلی نژاد بیان کرد: مسوولان به این نکته توجه کنند که اگر به مردم خدمات صادقانه ارایه نکنیم هرچه شعار ولایتمداری بدهیم کافی نیست. وی لایروبی خورد بندر ریگ و دیلم و اتمام جاده ساحلی بوشهر که برای تنها پنج کیلومتر که در محدوده تالاب حله قرار دارد،متوقف شده است را از ضروریاتی دانست که باید مسوولان نسبت به اتمام هرچه سریعتر این طرح ها اقدام کنند. میگلی نژاد با اشاره به ساخت هتل لیان موند در ساحل دریا دربوشهر نیز گفت: هنوز عزمی برای اجرای این طرح جزم نشده است و سازمان صنایع دستی، گردشگری و میراث فرهنگی در این باره اقدام لازم را انجام دهند. وی با تاکید بر جذب سرمایه گذاران داخلی و خارجی برای ورود به استان بوشهر و سرمایه گذاری در بخش های مختلف اضافه کرد: زمانی رضایتمندی مردم به وجود می آید که در انجام کارها تسریع شود.

# روزی که هوای بهارستان بوشهری بود

سید حسن رضوی



به لطف وجود بزرگواری از جنس مردان جنوب در مجلس شورای اسلامی، دعوتی شده بود از خبرنگاران مطبوعات استان بوشهر که حضوری داشته باشند در صحن علنی مجلس و ببینند آنچه که از روند زندگی و گذران امور در خانه ملت می‌گذرد و زحمت هماهنگی و فراهم آوردن اسباب این سفر به عهده دوستی بود که به رویی گشاده و مهربان در مقابل ورودی بهارستان به استقبالمان آمده بود. سابقه آشنایی با آقای "عابدین عابدی‌زاده" مدیر ارتباطات دکتر جلالیان نماینده دیر، کنگان و جم در مجلس به سالها پیش باز می‌گردد. "عابدین" را بارها دیده بودم شانه به شانه مدیر اجرایی شرکت ایتالیایی "انی"، بزرگ‌ترین و معتبرترین شرکت نفت و گاز در جهان و رکورددار سریع‌ترین اجرای فازهای ۴و ۵ پارس جنوبی در ایران و همچنین اجرای فازهای اول و دوم بهره‌برداری از چاه‌های نفت اروندان در منطقه دارخوین خوزستان. آن وقت‌ها دلخوش بودیم به همشهری بودنش و گاهی که از پشت شانه آقای مدیر سری تکان داده بود و لبخندی زده بود، سینه ستبر کرده بودیم نزد دوستان که این "عابدین" همشهری ماست. بی‌شک یکی از عوامل موفقیت در یک مدیریت قوی و کارآمد، انتخاب همکاران و مشاوران قوی است که این عامل از چشمان دکتر جلالیان که خود دکترای علوم ارتباطات و همچنین حقوق بین‌الملل خوانده و سال‌ها بر مسند کرسی استادی دانشگاه تکیه زده دور نمانده است.

صبح یک‌شنبه پاییزی هوای بهارستان بوشهری است. هر جا که می‌رویم نام بوشهر در میان است و خبرنگاران آن. برای ورود به مجلس به جهت اعتبار و احترامی که بوشهریان در مجلس دارند همه به لبخند استقبالی می‌کنند و برخلاف دیگر مهمانان، نه نیازی به کارت مهمان هست و نه از بازرسی بدنی خبری هست. لیست خبرنگاران بوشهری روی میز حراست است و تنها یک تیک خودکار کافی است تا درب‌های بهارستان به روی خبرنگاران گشوده شود. چند تا راهرو و راه‌پله را پشت سر می‌گذاریم و خود را در میان مجلس سبز بهارستان می‌یابیم. مجلسی که دکتر لاریجانی بر صدر آن نشسته و ردیف‌های خالی صندلی اعضای پارلمانی دولت در مقابل وی همه خالی هستند از هر جنس دولتی. و این نشان از شکاف عمیقی است میان مجلس و دولت که بسیاری در ظاهر هنوز بر طبل وحدتش می‌کوبند. صندلی خالی نمایندگان پارلمان نیز آنقدر زیاد است که به نظر تا از حدنصاب افتادن مجلس تنها چند نفری کم دارد. دکتر جلالیان اما به رسم مهمان‌نوازی در جایگاه ویژه خبرنگاران در حلقه مهمانان بوشهری می‌نشیند و از خانه ملت می‌گوید. از نمایندگان می‌گوید و دغدغه آنها در حل مشکلات حوزه انتخابیه. از مجلس می‌گوید. از مجلسی که چگونه می‌بایست و می‌توانست باشد و افسوس که فاصله دارد. از مطالبات مردمی حوزه انتخابیه خود می گوید و از بیکاری جوانان استان در کنار قطب انرژی کشور. سخن بسیار است و همه از سر درد. گفتار دکتر جلالیان اما دلگرم کننده است و امیدوار، هرچند که گله‌مند هم باشد از فضایی که بر ملت و مجلس حاکم شده باشد. در قاموس فراجناحی وی از حزب و حزب‌بازی خبری نیست تا بشود به بهانه‌ای واهی کسی را به چوب غیرخودی راند و از قطار نظام پیاده کرد. می‌گوید قرار است صد نفر از دانشجویان استان مهمان وی باشند در مجلس شورای اسلامی. نمی‌گوید راستی یا چپی که فرقی هم ندارند با هم جز اینکه جمع اندیشه‌های گاه مخالف و حتی متضاد در کنار هم می‌تواند عاملی باشد تاثیرگذار در تحقق توسعه و اعتلای نام استان. هدف بدست دادن چراغ است برای شناخت و پیدا کردن راه.

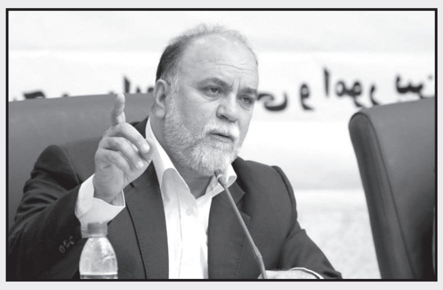
دکتر لاریجانی از تریبون مجلس به احترام حضور خبرنگاران بوشهری، خیر مقدم می‌گوید و خبرنگاران بوشهری نیز به احترام مجلسی‌ها از جای برمی‌خیزند و ادای احترام می‌کنند و اینهمه احترام از سر بزرگواری مردی است که در قامت نماینده مردم دیر، کنگان و جم برای اولین بار پس از انقلاب در حق مطبوعات و خبرنگاران بوشهری روا داشته است. بعد از حضور در صحن علنی مجلس، همراه می‌شویم با دکتر جلالیان تا از دیگر قسمت‌های مجلس شورای اسلامی دیدن کنیم.

بازدید از واحد استودیو خبر که جهت ارتباط زنده نمایندگان با مردم راه‌اندازی شده است. بازدید از سالن اینترنت مجلس که برای استفاده نمایندگان ساخته شده و همچنین راه‌اندازی شبکه‌های استانی روی کامپیوترهای نمایندگان از جمله امکانات رفاهی هستند که بنا به گفته دکتر جلالیان همه از خدمات ارزنده آقای افراشته، استاندار پیشین استان و معاونت فعلی اجرایی مجلس است. قرار بود بازدیدی هم داشته باشیم از موزه مشروطه مجلس که باز از خدمات افراشته است اما کمی وقت در برگشتن به فرودگاه و سفر دوستان به بوشهر اجازه این بازدید را نمی‌دهد جز اینکه تعجیل کنیم در این فرصت اندک دیدار و گفتگویی با آقای افراشته داشته باشیم.

فضای دیدار با استاندار پیشین بوشهر فضایی صمیمی است، بی هیچ تشریفاتی اضافی و دست و پاگیر. حلقه‌ای است دوستانه در کنار هم تا بتوان حرف‌های از جنس حرف دل زد. حرف‌های فرو خورده و در گلو مانده. حرف‌های اصحاب رسانه که دیگر کمتر گوش شنوایی برای شنیدن پیدا می‌کنند. حرف‌هایی که نیازی نیست چرتکه و چوب‌خط بیندازی و مردد بمانی میان برزخ عقل و احساس که سخن به بال قبای کدام بربخورد و ترس از برچسب خودی و غیر خودی در میان آید و خواسته شود کرکره‌ای به دلیل کج‌فهمی و گناهی ناکرده پایین کشیده شود. ترسی نیست از گشوده شدن چاهی و فرو رفتن در غاری. هر چه هست احساس سفتی زمین است اینجا که بی‌ترس و واهمه قدم از قدم برداری و مرعوب بایدها و نبایدها نباشی. دیداری است در فضای بزرگتری و کوچکتری. فضای است از اشک‌ها و لبخندها و دلخوش بودیم در آن ساعات مهربانی که هنوز هم گوشی هست برای شنیدن.

نماینده دشتستان:

## مساله اشتغال در استان بوشهر به معضل اجتماعی تبدیل شده است



نماینده مردم دشتستان در مجلس شورای اسلامی گفت: به رغم همه ظرفیت ها و پتانسیل های موجود در استان بوشهر ولی مساله اشتغال امروز به عنوان یک معضل اجتماعی در این استان تبدیل شده است. ایوب پاپری مقدم در نشست شورای اداری استان بوشهر افزود: هم اینک ۹۰درصد مراجعات، تماس ها و درخواست های مردم از ما به عنوان نماینده مجلس در باره اشتغال است. وی اضافه کرد: تاکی باید مردم را امروز و فردا کرد و به آنها در زمینه اشتغال وعده داد. پاپری مقدم بیان کرد: حل معضل اشتغال استان بوشهر نیازمند یک بررسی عالمانه است و برای رفع این مشکل از همه امکانات این استان به ویژه در بخش نفت و گاز باید استفاده مطلوب کرد. نماینده دشتستان گفت: مدیریت ارشد استان بوشهر باید در منطقه پارس جنوبی و شمالی به عنوان بخشی از حوزه حاکمیتی این استان مدیریت و نظارت بیشتر ی داشته باشد تا مردم این استان از مزایای این طرح ها بیتشر بهره مند شوند. وی اضافه کرد: مسوولان استان بوشهر در بحث های توسعه ای به همه استان توجه داشته باشند و برنامه های خود را در چند منطقه مشخص متمرکز نکنند. پاپری مقدم بیان کرد: باید بزرگ فکر کنیم و کلان سیاست را ببینیم زیرا اگر خوب کار کنیم و مشکلات مردم را رفع کنیم دیگر نیازی به تبلیغات از طریق رسانه ها نیست بلکه خود مردم برای ما رسانه می شوند و زبان عمل برای ما تبلیغ می کند.

## تذکر میگلی نژاد به وزرای ارتباطات و آموزش و پرورش

بنابر اعلام هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی، غلامعلی میگلی نژاد نماینده شهرستان های بوشهر، گناوه و دیلم در تذکری آیین نامه ای به وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات از علل مشکلات خطوط ثابت و سیار تلفنی در استان بوشهر سوال کرده است. در بخشی از این تذکر چنین آمده که : خطوط تلفنی که باید باعث تسهیل امورٍ باشد و مردم شریف استان هزینه آنرا پرداخت می نمایند بعضاً نه تنها کارها را روان نمی نماید بلکه عصبانیت و خستگی بدنبال داشته و موکلین شریف اینجانب مکرراً اظهار نارضایتی از کارکرد این خطوط دارند . ضرورت تامین نیروی آموزشی و خدماتی در آموزش و پرورش استان بوشهر در ابتدای آغاز سال تحصیلی نیز موضوع تذکر دیگر میگلی نژاد به وزیر آموزش و پرورش می باشد که اعزام هیئتی به استان بوشهر بمنظور بررسی کمبود نیروی لازم در مدارس استان و گلایه از عدم توجه کافی وزیر به مشکلات این بخش علیرغم تاکید وی و قول همکاری ، بخشهایی از تذکر آیین نامه میگلی نژاد به حاجی بابایی می باشد .

فرمانده انتظامی استان بوشهر:

## استان بوشهر یکی از امن ترین استانهای کشور است

فرمانده انتظامی استان بوشهر گفت: در حال حاضر، استان بوشهر با کاهش جرائم، یکی از امن ترین استانهای کشور محسوب می شود. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس، سردار رضا محمدی‌یگانه، فرمانده انتظامی استان بوشهر در گفت‌وگو با خبرنگاران ، به کاهش جرائم اشاره کرد و در ادامه استان بوشهر را یکی از امن ترین استان های کشور نام برد. وی ، اظهار داشت: با تلاش‌های مستمر نیروی انتظامی وقوع جرائم در استان بوشهر نسبت به گذشته نزدیک به دو درصد کاهش داشته است.

فرمانده انتظامی استان بوشهر، گفت: پلیس بوشهر در شش ماهه نخست امسال، بیش از ۸۹ درصد از جرائم را کشف کرده است. وی، گفت: پیچیدگی، گستردگی و همچنین اهمیت مأموریت نیروی انتظامی به ویژه در برقراری امنیت در جامعه، این مجموعه را با سایر سازمان‌های دیگر متمایز کرده است و همین تفاوت موجب شده مسئولان و آحاد جامعه به این سازمان توجه بیشتری داشته باشند. سردار محمدی یگانه، افزود: از آنجا که یکی از لازمه‌های مهم اجرای صحیح عملیات پلیس در مأموریت‌هایش تجهیزات است، خوشبختانه در حال حاضر پلیس نسبت به سال‌های گذشته پیشرفت‌های قابل توجهی داشته است. فرمانده انتظامی استان بوشهر در ادامه فاصله وقوع و کشف جرم را بسیار کوتاه عنوان کرد و اظهار داشت: پلیس بوشهر در شش ماهه نخست سال ۸۹ بیش از ۸۹ درصد از جرائم را کشف کرده است. این مقام انتظامی، مجموع تصادفات برون شهری ودرون شهری را با ۱۳/۵ درصد کاهش نسبت به مدت مشابه سال قبل برشمرد و اضافه کرد: مأموران مبارزه با مواد مخدر بوشهر با تلاش‌های شبانه روزی طی چندین عملیات ویژه مقدار قابل توجهی مواد را کشف و ضبط کردند که نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۱۱۰ درصد رشد داشته است.

۳
نسیم جنوب
اجتماعی
شماره ۶۰۰ یکشنبه ۲ آبان ماه ۱۳۸۹
NASIM JANOUB

گزارشی از یک سفر پژوهشی

# دهدشت نمونه‌ای از معماری و شهرسازی صفویه

دکتر محمود دهقانی - استرالیا






وقتی برای پژوهش در راستای تاریخ معماری پرآوازه‌ی دوره‌ی صفویه از طرف دانش‌گاه تکنولوژی سیدنی استرالیا به ایران سفر کردم، سعی‌ام بر این شد تا پیش از هر چیز از نخستین پایتخت آن دودمان، تبریز، دیدن کنم. پس از تبریز به دومین پایتخت صفوی‌ها، قزوین، رفتم. هدفم از این تقسیم‌بندی این بود تا با آشنا شدن به آغاز کار شهرسازی آن دودمان، در تبریز و قزوین، به دیدار ساختمان‌ها و نقش‌ونگاره‌های فیروزه‌ای سومین پایتخت صفویه، اصفهان، بروم. با اندوختن توشه از ریشه‌ی ذوق و سلیقه‌ی معماران آن دوران، پس از آن به مازندران سفر کردم. شهرهای قزوین، اصفهان، بهشهر، تبریز، کرمان و شیراز از شهرهایی بودند که در سفر پنج‌ماهه‌ی من برای پژوهش گنجانده شده بودند هر چند در تهران نیز دوستان فقید، شادروانان دکتر پرویز ورجاوند و دکتر باقر آیت‌الله‌زاده‌ی شیرازی، به من کمک‌ها و راهنمایی‌های شایسته‌ای کردند. در نظر داشتم اطلاعاتی مکتوب از شهرستان دهدشت در استان کهگیلویه و بویراحمد نیز به دست بیاورم ولی آگاه شدم که کارهای پژوهشی عمیق، به‌ویژه در گستره‌ی تاریخ معماری، در شهرهای کوچکی چون دهدشت صورت نگرفته است. در این مورد خاص، تنها تاریخ‌نویس و جهانگرد اروپایی‌ای هم که صحبتی به میان آورده «هانس گاوبه» است که تهیه‌ی کتاب‌هایش در خارج آسان‌تر از خود دهدشت است.۱ هانس گاوبه، ضمن مطالعه‌ی آثار پیشینیان از جمله احسن التقاسیم مقدسی، برای پژوهش درباره‌ی شهرسازی به دهدشت سفر کرده است. هر چند استو کلر، بل، استین و هاریسن هم دهدشت را توصیف کرده‌اند، اما در تحقیقات آن‌ها چندان به ساختمان‌های شهر اشاره نشده که چه کسی آن‌ها را ساخته است. ولی هانس گاوبه می‌نویسد: «این را باید تنها نمونه‌ی معماری و شهرسازی دوران صفویه دانست».

ناگزیر، با برادرزاده‌های دانش‌جوی خیلی جوان رشته‌ی معماری دانشگاه خورموج بوشهر، ابزار کار و دوربین‌های فیلم‌برداری را برداشتیم و در قلب تابستان با ماشین از طریق بوشهر و با پشت سر گذاشتن مسافتی حوصله‌سوز به دهدشت رسیدیم تا از نزدیک به ساختار شهر، و به‌ویژه ساختمان‌های مخروبه‌ی بازمانده از گذشته، نظری بیندازیم و من در آن مورد مطالبی بنویسم که آیا معماری و شهرسازی بافت قدیم دهدشت بازمانده از دوران صفویه است یا دودمانی دیگر. با تکه‌هایی از تنبوش و سرامیک‌های دهدشت به‌ویژه قطعه‌ای از لوله‌ی آب حمام و بردن آن‌ها به مازندران، و مقایسه با لوله‌های حوضچه‌های ساختمان چشمه‌عمارت صفوی در بهشهر، شواهد و قرینه‌های بافت قدیم دهدشت نشان از طعم و بوی معماری صفوی می‌داد هر چند که احتمالا در دوران‌های دیگر نیز تعمیر و مرمت و شاید گسترش داده شده باشد.

در گرمای بیش از ۴۱ درجه‌ی دهدشت با نعمت کولر گازی، در اوقات استراحت، بر ما سخت نمی‌گذشت و در نشستی که از طرف مسؤولی در دهدشت برای من و همراهان تدارک دیده بودند هم‌صحبت با چند تن از سرشناسان فرهیخته شدم که مشعلی در تاریکی هزاره‌ها بودند. در بحث با آن‌ها متوجه این حقیقت شدم که پا به جایی گذاشته‌ام که هر چند در دوره‌ی قاجار، پهلوی و متأسفانه در حال حاضر هم با کوتاهی‌ها و سختی‌های عدیده‌ای روبه‌روست ولی شهری تاریخی است که، مضاف بر بلاد شاپور بودن در دوران ساسانیان، در دوران صفویه نیز از اهمیت راهبردی ویژه‌ای برخوردار بوده است.

وقتی از خیابان و کوچه‌ی امامزاده جابر به پایگاه میراث فرهنگی دهدشت پا گذاشتم با مسؤول پایگاه، آقای علیزاده، برخورد کردم که خود اصیل‌ترین سرچشمه‌ی محلی بود. و از این که انسانی شایسته را برای سرپرستی پایگاه انتخاب کرده بودند امیدوار شدم. هم‌کار ایشان، آقای عزیزی، نیز جوانی مستعد و عاشق فرهنگ و شهر و دیارش بود که داستان‌های زیبایش در مورد طایفه‌ی تاس‌احمدی و خواجه‌ها هنوز در یاد و خاطر من جا دارد که این خود نیز برای نویسندگان آن سامان می‌تواند جرقه‌ای برای خلق یک رمان تاریخی باشد. آن‌ها وقتی دانستند من دوستِ هنرمند خوب آن سامان، شادروان حسین پناهی دژکوهی، هم بوده‌ام و با او در شیراز و تهران چند بار دیدار داشته‌ام با من و همراهان برخورد صمیمانه‌ای کردند که آن مهربانی‌ها از خاطر من تا ابد گم نمی‌شود.

اولین برخورد من برای آشنایی با ساختمان‌های مخروبه‌ای که در میان‌شان خانه‌های دو طبقه و حتا سه طبقه هم وجود داشت، وجود یک حمام بسیار زیبا بود که شباهت بسیاری به دیگر حمام‌های دوران صفویه‌ی کرمان و اصفهان داشت. یک کاروان‌سرا نیز با سبکی بسیار زیبا و منحصر به‌فرد نظر هر تازه واردی را به خود جلب می‌کرد. متأسفانه، مانند همه جای ایران، در دهدشت پس از انقلاب سودجویان کارهای ناشایستی انجام داده بودند؛ خانه‌هایی که پیدا بود تا یک دهه پیش از انقلاب پا برجا بوده هم‌اکنون به تلی از خاک‌ریزه و قلوه‌سنگ تبدیل شده بودند و مردم با کامیون سنگ‌های ساختمان‌های تاریخی را در شب کنده و برای ساختمان‌های نوساز، و آن هم زشت و بدقواره، حمل کرده و با خود برده بودند. برخی از مردم در خانه‌های نیمه‌مخروبه‌ی بافت قدیم، ساختمان‌های تاریخی را به طویله‌ی جانوران اختصاص داده بودند و خودسرانه در بافت قدیم برای خود خانه ساخته بودند. وقتی از کوچه‌های باریک تاریخی و از تل و تپه‌های محوطه به امامزاده‌ای برخوردم، از دور متوجه شدم که به دلیل باورهای مذهبی و ترس از قیامت، کسی سنگ ساختمان آن امامزاده را به یغما نبرده است! اما وقتی وارد امامزاده‌ی گنبددار شدم که پارچه‌ی سبزی بر روی قبر کشیده بودند متوجه آمپول‌های معتادان تزریقی‌ای شدم که از پرچین محوطه به دور از چشم نگهبان به آن‌جا می‌رفته و به خود مواد مخدر تزریق می‌کرده‌اند! به بهانه‌ی عکس از چند خانه در نزدیکی امامزاده همراهانم را به بیرون از امامزاده فرستادم و در تنهایی مطلق در گوشه‌ای نشستم و سر در گریبان، به تلخی گریه کردم.

در ساختن ساختمان‌های محوطه‌ی بافت قدیم دهدشت، بیشتر از گچ، سنگ و ساروج استفاده شده است هر چند که در سربینه‌ی حمام آن‌جا آجر هم به کار رفته بود. ساختمان‌ها همان‌گونه که هانس گاوبه نیز تخمین زده است احتمالا در دوران صفوی بنیاد گذارده شده‌اند. ولی واقعیت این است که مصالح ساختمانی دهدشت با دیگر ساختمان‌های دوره‌ی صفوی، در دیگر جاهای ایران، تفاوت بسیار داشت؛ شاید به دلیل وجود مقرون به صرفه‌ی مصالح و دمای منطقه فقط از سنگ و گچ و ساروج استفاده شده است. نکته‌ی جالب این‌که دودکش و بخاری‌های درون ساختمان‌ها، مثل شهرهای مازندران و حتا اصفهان، در درون اتاق‌ها تعبیه شده است. گچ، عمده‌ترین ملاتِ ساختمان‌هاست ولی نازک‌کاری‌های به‌جامانده حکایت از هم‌گونی گچ و نی در ساختمان است که به طرز زیبایی به کار گرفته شده‌اند. به دلیل وجود رطوبت، ساروج همراه با سنگ لاشه، در پی و شالوده‌ی ساختمان‌ها به کار گرفته شده‌اند. در بافت قدیم دهدشت، همان‌گونه که در چند سده‌ی اخیر مرسوم بوده است، همه‌ی لوازم تمدن یک شهر – از جمله آب‌انبار، مدرسه، حمام، چاه آب و اماکن مذهبی – در نظر گرفته شده‌اند.

هر چند که از نظر علمی آسیب‌های وارده بر ساختمان‌ها ناشی از رطوبت می‌تواند باشد که با گچ سر سازگاری ندارد ولی بیش‌تر، تخریب انسانی و عمدی واردشده بر خانه‌ها دلیل واقعی تخریب زودرس این بافت قدیمی و زیباست. مطلب دیگر، وجود گیاهانی است که در میان درز و ترک دیوارها تخم‌شان با باد کاشته می‌شود. هر چند که در بهشهر مازندران، دلیل فرسودگی ساختمان‌ها، انجیر است ولی در دهدشت کهگیلویه و بویراحمد، گیاهی است وحشی به نام "لگه جی" که اسم علمی آن «کاپربری» بر گرفته از نام کشور قبرس بوده و به شدت در مناطق گرمسیری تکثیر می‌شود و از میوه‌اش هم فقط ترشی می‌گیرند. لوله‌ها و تنبوشه‌های به کار گرفته در ساختمان‌های دهدشت شباهت زیادی به لوله‌های ساختمان‌های دوره‌ی صفوی بهشهر دارد. جهت‌یابی نور و نورگیری به درون ساختمان‌ها و به ویژه حمام بیشتر از هر چیز دیگری با اسلوب مهندسی به کار گرفته شده‌اند که به این موضوعات معماران دوران صفوی بسیار اهمیت می‌دادند. ارتفاع کف خانه‌ها تا تاق در همه‌جا تقریباً چهار متر و ارتفاع کف تا بین تاق‌ها چهار و نیم متر است. همان‌گونه که پیش از این گفته شد ساختمان‌های بافت قدیم دهدشت همه با سنگ و گچ و ساروج ساخته شده‌اند. مقرنس‌های تزیینی گچی، مثل ساختمان‌های تاریخی‌ای که در دیگر شهرها با آجر بنا شده‌اند، زیبایی به تاق‌ها و تاقچه‌ها داده است.

هر چند در فارس‌نامه‌ی ناصری (۲)، به تاریخ و جغرافیای کهگیلویه و بویراحمد نیز اشاره شده، ولی نورمحمد مجیدی نیز از دهدشت و تاریخ و جغرافیای کهگیلویه و بویراحمد به شیوایی سخن به میان آورده است. (۳) اما نخستین موقعیت‌نما و کروکی بناهای بافت قدیم دهدشت را در کتاب پژوهشی هانس گاوبه، ارجان و کهگیلویه از فتح عرب تا پایان دوره‌ی صفوی، می‌شود دید که با ترجمه‌ی سعید فرهودی سرچشمه‌ی مهمی است که سرگذشت بافت و تاریخ قدیم دهدشت را بر ملا کرده است.(۴) گروهی نیز پس از انقلاب، در سال ۱۳۶۹، از آن‌جا بازدید و بافت قدیم را بررسی کرده‌اند که خبری از سرنوشت تحقیقات آن گروه تاکنون نیافته‌ام. زیباترین یادگاری، کاری است بسیار جالب و در خور تحسین از سازمان نقشه‌برداری کشور و عکس هوایی این سازمان از دهدشت که بیش از نیم قرن پیش گرفته شده است. این عکس هوایی کمک بزرگی به شناخت اساسی بافت قدیم دهدشت کرد، که این خود کمک شایانی به پژوهش‌گرانی خواهد شد که در آینده خواهان پی بردن به راز ساختار این شهر تاریخی خواهند بود. شادروان محمد مهریار، جوان‌مردانه آستین بالا زده بود تا با پژوهشی عمیق پرده از نکات پوشیده‌ی بافت قدیم دهدشت بردارد، ولی حیف که اجل مهلت نداد و این انسان دل‌سوز شمع وجودش خاموش شد.

در روزگاران گذشته هر شهری چند دروازه داشته است که دهدشت نیز به یقین از این قاعده مستثنا نبوده است ولی هانس گاوبه چنین می‌پندارد که: «به سختی می‌توان قبول کرد تمام شهر به‌وسیله‌ی دیواری محصور بوده است». اگر به پیشینه‌ی تاریخی سه دودمان صفوی، افشار و زند پرداخته شود شاید ردّ پایی از دوران رونق و شکوه این شهر بشود به دست آورد. من نیز در پژوهش خود به دهدشت اشاره داشته‌ام که بنا بر اطلاعاتی که از هانس گاوبه به ما رسیده است او به نقل از «حسینی در شرح وقایع خود از سال ۱۰۸۲ ه.ق./ ۱۶۷۱ م. اطلاعات جامعی از جاده‌ی اصلی (شارع عام) دهدشت به اصفهان به ما می‌دهد»؛ ساخت راه مال‌رویی که از راه ارجان– سمیرم و سمیرم– اصفهان، دهدشت را به اصفهان وصل می‌کرده است.

با در نظر گرفتن اهمیت خلیج فارس در دوران صفوی‌ها به‌ویژه اعلام آن از طرف رییس ستاد ارتش شاه عباس صفوی، سرلشگر امام قلی‌خان، شاه عباس اول به موقعیت خلیج فارس و طماعی اروپاییان به خوبی پی برده است. شاه عباس در پی آبادانی دهدشت، احتمالا در نظر داشته است راه‌های ارتباطی پایتخت خود، اصفهان، را برقرار و از طریق آن راه و با گذر از دهدشت پایتخت را به خلیج فارس و دیگر نقاط در جنوب و شمال کشور وصل نماید. خانه هایی که من و همراهان در بافت قدیم دهدشت از آن‌ها نقشه تهیه کردیم و عکس گرفتیم بیشتر گویای شهری قدرت‌مند ولی احتمالا پادگانی نظامی بوده است که در کنار آن تمدن و بازار و خیابان‌های شهر نیز ساخته شده‌اند. چون پژوهش این‌جانب به انگلیسی نوشته شده(۵) اگر عمری بود قصد دارم با نقشه‌هایی از خانه‌ها که بر روی آن وقت زیادی گذاشته‌ام در کتابی به «دهدشت و تاریخ معماری بافت قدیم آن» بپردازم. بافت قدیم دهدشت با شماره‌ی ۳/۱۶۸۹ در سال ۱۳۶۴ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. Heinz Gaube. "Iranian Cities". New York University Press ۱۹۷۹.

۲. فارس‌نامه‌ی ناصری، میرزاحسن فسایی، تصحیح و تحشیه‌ی دکتر منصور رستگارفسایی، انتشارات امیرکبیر، جلد دوم، ۱۳۷۸.

۳. تاریخ و جغرافیای کهگیلویه و بویراحمد، نورمحمد مجیدی، انتشارات علمی، ۱۳۷۱.

۴. ارجان و کهگیلویه از فتح عرب تا پایان دوره‌ی صفوی، هانس گاوبه، ترجمه‌ی سعید فرهودی، تنظیم فهارس و تصحیح و تحشیه‌ی احمد اقتداری، انجمن آثار مفاخر فرهنگی، تکلمه و مجلد چهارم در مجموعه آثار خوزستان.

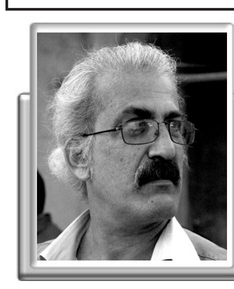
۵. Mahmoud Dehgani. "Domestic Architecture in Safavid Iran, ۱۵۰۱–۱۷۳۷". University of Technology, Sydney. ۲۰۰۰.

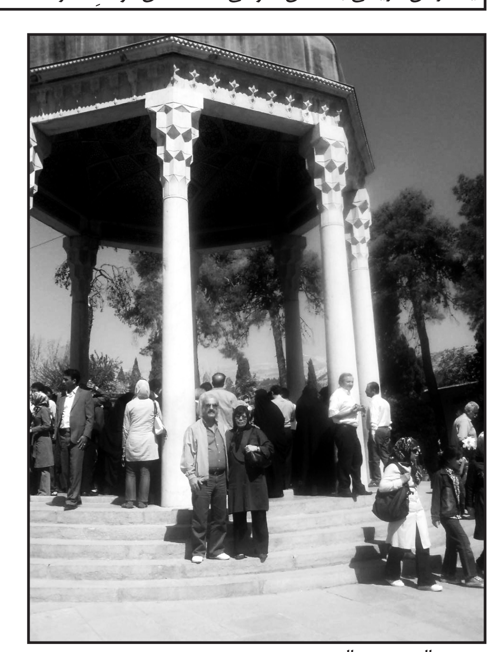
برگرفته از فصل نامه فروزش چاپ تهران*

سفر و خرده فرهنگ‌ها– ۲

# از بوشهر تا تهران

پرویز هوشیار





عبور از "کنار تخته" و بلافاصله ورود مجدد به کتل پر پیچ وخم ،ا دامه راهی است که برای رسیدن به مقصد باید از آن گذر کرد. دیگر از استان بوشهر خارج شده ایم، فرهنگ مردم با تغییر مکان تغییر می کند ، پس از عبور از چند تونل و پشت سرگذاشتن کفه کمارنج ، به سه راهی "کازرون"می رسیم . اغلب راننده های اتوبوس پس از پشت سر گذاشتن کتل ها و رسیدن به جاده صاف" کمارنج" و تغییر محسوس هوا ، آواز خواندنشان شروع می شد، بیشتر آهنگ هائی که به آ هنگ اتوبوسی مشهور است می خواندند ، اما ترجیح بند خواندنشان شروه یا این بیت بود"زحمتش هندو کشید و راحتش ایران برد / بیستون را عشق کند و شهرتش فرهاد برد . " که اشاره ای به ساخت پر زحمت و سخت راه بوشهر– شیراز به دست هندی هاست. درخواست همیشه همراه و یاورم ، قصد رفتن از جاده جدید الاحداث کازرون _شیراز می کنیم. جاده ای که به اصراراهالی "کازرون" و به منظور عبور جاده از شهر "کازرون" ورونق دوباره این شهر و نزدیکتر شدن راه، ساخته شده است. همانطوریکه گفتم به درخواست همراهم به سمت" کازرون "می رویم ، در "کازرون" گشتی می زنیم ، درراه خروج از شهر، برای خرید مرکبات "کازرون" که همیشه زبانزد مناطق اطراف بوده و هست ، در میدان گاهی توقف کوتاهی کرده از ماشین پیاده می شویم ، بوی بهارنارنج و سبزی بهار ، خستگی را از تنمان بیرون می برد. هنگام خرید و صحبت با فروشنده ها ، با فرهنگ خاص این منطقه که هدف برترش مسائل اقتصادی و کسب درآمد است و کسب درآمد حرف اول را می زند، آشنا می شویم، یکی از فروشندگان در همان زمانی که میوه ها را تمیز می کند ، بامردی که احتمالا مشتری است ، موبایل خرید و فروش می کند، برایم جالب است. با او هم صحبت می شوم ، وقتی از او می پرسم تو فروشنده میوه هستی یا فروشنده ی موبایل ، لبخندی می زند و می گوید برای ما کار و کسب درآمد حرف اول را می زند ، ما دست به هر کار می زنیم و هیچ کاری را عیب نمی دانیم ، ادعا می کرد که هم دانشجوی امور تربیتی است و هم شاگردی میوه فروشی می کند ،با لهجه غلیظ کازرونی می گفت: "موبایل می فروشم ، گاهی هم چوپانی می کنم ، می گفت : " کار جوهر مرده . " به چند محل دیگر برای خرید سر می زنیم رفتاراکثر فروشندگان گویای همین ایده و نظربود، با مشتری طوری برخورد می کنند که حتما خرید کند، البته این خرده فرهنگ باخواستگاه های اقتصادی ویژه خود، در منطقه ما کمتر دیده می‌شود و قبلا آنرا مذ موم می دانستند .

"کازرون" را پشت سر می گذاریم و از جاده جدیدالاحداث ، به طرف شیرازپیش می رویم ، جاده ای خوش منظره و زیبا، با پیچ های تندو غیر استاندارد که همواره احساس می کنی کوچکترین غفلت موجب می شود یا تصادف کنی یا از جاده به بیرون پرت شوی .

از دور تعداد زیادی ماشین می بینیم که کنار جاده توقف کرده اند ، این توقف های بی دلیل ، بیشتر نشان از تصادف ناگهانی و یا ایست بازرسی پلیس راه و نیروی انتظامی دارد ، نزدیک شده متوجه می شویم ، اتفاق خاصی افتاده ، دو گروه عشایر به جان هم افتاده و هم دیگر را می زنند. پیاده می شوم، کاروان عروسی است که در این محل اختلاف پیدا کرده و به جان هم افتاده اند. همه لباس عروسی پوشیده اند. رنگ های تند عشایر پسند ، دامن های چین دارو تور های سبز و سفید و قرمز ، عروس گریه و زاری می کند و داماد مضطرب و نگران و مبهوت ، نظاره گر است. زن ها گریه نمی کنندو به جای گریه ، ناله می کنند. مسافرینی که زودتر رسیده اند می گویند:" عروس باید به دیگری داده می شد، اما تخطی شده و سنت و رسوم را نا دیده گرفته اند ، در نتیجه بازنده گان به مراسم حمله کرده اند".

این خرده فرهنگ هم ، همچون سایر خرده فرهنگ ها ،هنجار خاص خودش را دارد ، هر دو گروه آن قدر عصبانی بودند که کسی جرات نزدیک شدن به آنها را نداشت . باچوب و چماق به جان هم افتاده بودند ، مهاجمان پس از رسیدن به هدفشان صحنه جدال را ترک کرده ، غیبشان می زند ، اماگریه و ناله ها هنوز ادامه دارد ، هنجارهای خرده فرهنگ این شیوه را توصیه کرده است ، بایدهمسو با سنت ها بود وگرنه طرد می شوی .

آنها را به حال خود رها کرده به راهمان ادامه می دهیم ، تا به" دشت ارژن " می رسیم محلی که بعد از گذر از هوای گرم و داغ آفتابی جاده، مکانی است که با هوای مطبوع و فرح بخش و آب روان زلال وخنک خود ، خستگی را از تن هر مسافر خسته ای بیرون می برد.

"دشت ارژن" از دو ردیف مغازه در دو طرف جاده شکل گرفته و همچون اکثر مکانهای بین راه علت شکل گیریش خدمت به مسافرین در مقابل پول است. در اینجا مسافرین برای مغازه دارها حکم دستگاه خود پردازبانک را دارند و مسافرین را به نسبت خرید ، ارزش گذاری می شوند ، مسافرین برایشان رهگذری بیش نیست ، تنها پول آنهااست که می ماند .

نهاری خورده به سفر ادامه می‌دهیم. ساعتی بعد ، شیراز از دورنمایان می‌شود . شیراز شهری است زیبا با مردمی مهمان دوست ، که بوی حافظ و سعدی ، بوی قدمت و تاریخ ، بوی فرهنگ و هنر ، بوی گلهای بهاری آن ، روح افزا و فرحبخش است ، شیراز آنقدر جاذبه دارد که مسافر را مجبور به ماندن و دیدن زیبائی هایش می کند ، به محل استراحت خود می رویم تا خستگی از تن بیرون کنیم ، اما جاذبه های شیراز اجازه ماندن و استراحت کردن و باز دید ها را به فردا موکول کردن را نمی دهد ،باید رفت ، کسی تورا صدا می زند، تنبلی بس است ، باید برخاست و عزم دیدار آرزوهای همیشگی کرد . آبی به صورت زده لباس عوض می کنیم و به سمتی می رویم که درختان حماسی پیداست . حافظیه شلوغ است و جای سوزن انداختن نیست .از طرفی خوشحال از این همه علاقمند و دوستد ار غزلسرای بزرگ واز طرفی ناراحت از اینکه نمی توانم دل سیری با خواجه تنها باشم ، شعر بخوانم و راز و نیازکنم. بخشی از حاضرین در حافظیه ،مردم شیرازند که مترصد زمان مناسبند تا خود را به آرامگاه حافظ وسعدی برسانند و ادای دینی کنند. برای آنها حافظیه و سعدیه محلی برای آرامش روح ونیز تفریح و گذران اوقات فراغت است، مردم شیراز مرد می سرزنده، اهل تفریح و تفرج و گشت و گذارند. بیش از آنکه در اندیشه انباشت سرمایه و پرکردن حساب بانکی خود باشند ،اهل لذت بردن از طبیعت زیبا و اماکن تاریخی و دیدنی استان خود هستند . آرامگاه سعدی همچون حافظیه شلوغ و پر رفت و آمد است، مغازه های اطراف آرامگاه و دستفروش ها با سر صدای زیاد کالای خود را فریادمی زنند ، مغازه ای که سی دی های محلی می فروشد پر رونق است ، با صدای بلند ، که از بلندگو پخش می شود ، آهنگ شیرازی گذاشته است ، با ورود به آرامگاه سعدی، بیاد حکایات و حکم ، نکات تربیتی ، پند واندرز و مطایبه ها و غزلیات پر محتوا و بی نظیر شیخ اجل می افتم، یاد مطلب آغازین "گلستان" که در مدرسه می خواندیم ، " منت خدای را عز و جل ، که ........" به آرامگاه رفته چند غزل و نوشته بر دیواره ها خوانده و به رسم احترام فاتحه ای می فرستم و پس از توقفی کوتاه ، برای دیدن ارگ کریم خان (در زمان سلطنت پهلوی دوم به زندان تبدیل شد و دراواخر سلطنت به پایگاه نیروی شهربانی تغییر یافت) که هم اکنون به موزه ای زیبا تبدیل شده به طرف خیابان زند راه می افتیم ، قلعه استوار همچون تاریخ بر تارک آسمان رخ می نماید، قلعه ای که در گذشته که وسائل تخریبی و انفجاری نبود ورود به آن سخت وحتی غیر ممکن می نمود ، یاد دوران انقلاب می افتم که مردم ، روزها ی زیادی کوشش کردند تا نیرو های نظامی مستقر در ارگ مجبوربه تسلیم شدند و غریو شادی نیروها فاتح که ساعت ها در کوچه های اطراف کمین کرده بودند هنوز در گوشم می پیچد ، ویاد انقلابیونی می افتم که با تمام مشقاتی که کشیده بودند، بعد از پیروزی ، با تمام توان جلو هرگونه تعرض به تسلیم شدگان را گرفتند . اگر قصد دیدن شیراز داشته باشید با یک روز و دو روز نمی توانید همه آنچه که باید تماشا کرد، دید. ناگزیر ماندیم تا به بازدیدها ادامه دهیم ، فردا هم روز خداست. روز بعد از باغ ارم ، بازار وکیل، سرای مشیر، شاه چراغ و سایر مکان های دیدنی شیراز دیدن کردیم و شب خسته به محل استراحتمان برگشتیم تا روز دیگر بطرف مقصد به راه افتیم ، صبح علی الطلوع بارو بنه را بسته بطرف تهران حرکت کردیم از دروازه قرآن گذشته ، جاده خسته کننده شیراز – تهران را آغاز کردیم، پس از نیم ساعت و عبوراز جاده کمر بندی ، مرودشت را پشت سر گذاشته و پس از ساعت ها رانندگی و عبور از چند شهر و پشت سر گذاشتن کویر بیکران تهی از سکونت انسان سازنده تاریخ ، به شهرضا رسیدیم ، شهری کوچک ، سنتی و مذهبی که بیشتر مردم آنجا از کشاورزی ، دامپروری و صنایع دستی ارتزاق می کنند ، بی توجهی سالیان سال به این تیپ شهرها ، همه را در یک شکل سنتی نگه داشته و سالهاست تغییر خاصی نکرده اند ، اکثر شهرهای بین راهی در سکوت و غربت و کم لطفی مسئولین، گرد و غبار فراموشی بر رویشان نشسته ، برای رفع خستگی و دیدن صنایع دستی محلی ، توقف کوتاهی می کنیم ،بیشتر مغازه ها، فروشنده صنایع دستی محلی اند، گلدان و آنچه که با گل و رنگ می شود ساخت در معرض فروش گذاشته شده ، مردم شهرضا صیقل یافته ی مردم اصفهانند، ویژگی فرهنگی خاص خود را دارند. کار وکسب درآمد برایشان ارزش ویژه ای دارد، همچون اکثر مردم شهرهای مرکزی ایران تمام صفات یک خرده بورژوا را دارند ، و تمام عمر در فکر اندوختن مال و رسیدن به طبقه بالاترند، اما هنوز خصلت خوب شهرستانی خود را (مردمی بودن ، کمک به غریبه ها و درمانده گان ) حفظ کرده اند. شهرضا را به امان خدا رها کرده به طرف اصفهان حرکت می کنیم . اصفهان شهری بزرگ و تاریخی است که آب و هوا و مرکزیت جغرافیایی آن موجب رشد بی رویه جمعیت در آن شده است، برخی از جامعه شناسان ، فرهنگ این شهر را فرهنگی با ویژگی های اجتماعی، اقتصادی خاص طبقات متوسط جامعه می دانند، فرهنگی که زاده رفتار و مناسبات اجتماعی مردمی است که عمدتا در کارهای تولیدی خرد مشغول به کار بوده و سختی کار و فروش کالا و کسب درآمد ، که در گذشته با سخت کوشی و رنج و مشقت حاصل شده و با خود ویژه گی خاصی که همان اکراه در هزینه کردن است ، نهادینه کرده است ، و این ویژگی اجتماعی– اقتصادی در روند رشد شهرنشینی و گسترش مناسبات اجتماعی ملغمه ای فرهنگی شکل داده ، که بسیاری از مطایبه ها و طنزها که درباره ی آنها می گویند ازپروسه تاریخی فوق الذکر شکل گرفته است .

مردم اصفهان مردمی مقتصد و درون گروهند، با دیگران سخت ارتباط برقرار می کنند و در هر جا و مکانی که باشند ، هم زبان و هم فرهنگی هایشان، برایشان ارجح تر است و غریبه را به هیچ وجه حتی اگر امتیازات بیشتری نسبت به هم زبان و هم فرهنگ خودشان داشته باشد در جمع خود نمی پذیرند.

از نظر نگارنده مردم اصفهان از نظر فرهنگی نقطه مقابل مردم شیرازند و تمثیلات و مطایباتی در تهران درباره فرهنگ و رفتار آنها گفته می شود که بیان کننده ریشه فرهنگی آن منطقه است.

بدون ورود و توقف در اصفهان ، از جاده کمربندی ، اصفهان را پشت سر گذاشته و به طرف تهران حرکت می کنیم. به اتوبان کاشان_قم وارد شده و به راهمان ادامه می دهیم ، اتوبان کاشان_ قم ، طولانی و بدون هیچگونه تابلو وعلامت و راهنماست، اتوبانی خشک و کویری و خلاف تمام تبلیغات رسانه ای بدون حضور پلیس و راهور و اورژانس. وقت کافی داریم ، برای دیدن" نطنز" و صرف ناهار در آنجا، نطنز شهری ( البته اگر بشود به آنجا شهر گفت ) است سبز و خرم، بیشتر شبیه روستای ای است که بزرگ شده و امکانات بیشتر برای آن در نظر گرفته اند . ساکنین "نطنز" ، مردمی ساده و مهمان نوازند و بی پرایه گی و پاکی و صمیمیت روستائیان را دارند و همراه این صفات ، از منظری دیگر ، ویژگی های مردم مرکز کشور هم در آنها بارز است ، صفاتی که قبلا برای شهرضائی ها و اصفهانی ها باز گو کردم، در فرهنگ مردم این منطقه نیز نهادینه شده است . پس از استراحتی کوتاه در پارک زیبای نطنز ، آنجا را ترک کرده به راهمان ادامه می‌دهیم و تا ایستگاه اخذ عوارض قم ، ساعت ها رانندگی می کنم، از محل اخذ عوارض اتوبان قم – تهران عبور کرده و تا تهران بدون توقف پیش می‌رویم. اتوبان تهران _ قم همیشه شلوغ است، خستگی بر ما عارض شده، اما باید ادامه داد. بخش ها و روستاهای بین راه را یکی یکی پشت سر گذاشته به تهران نزدیک می شویم ، تابلو کهریزک نظرم را جلب می کند، قبلا هر گاه این تابلورا می دیدم، یاد قلک های بزرگ کمک و یاری به معلولین کهریزک ، ذهنم را به خود مشغول می کرد، اما جدیدا اسم کهریزک مفهوم دیگری به ذهن متبادر می کند ، که آن ذهنیت قبلی از کهریزک را تحت الشعاع قرار می دهد.

به تهران می رسیم به شهر بی درو پیکر ، شهری که دارای فر هنگ خاص خود است ، فرهنگی متشکل از خرده فرهنگ ها که سعی شده ویژه گی های خوب هر خرده فرهنگ را گرفته و یک فرهنگ خاص شکل بگیرد و ما مجبوریم خودرا با آن فرهنگ هماهنگ کرده و روز را شب کرده و عمر را به پایان نزدیک کنیم .

پیامبر ما چنین بود و چنین گفت(۳۴)

# پیامبر(ص) و اخلاق قرآن

حجت الاسلام والمسلمین محمد فولادی



پیامبر اخلاق قرآن گرفته بود و پیام اصلی قرآن که کلیت و جامعیت آن کتاب را بیانگر است همان معنا و بوی و خوی و سمت و سویی است که از روز اول بعثت به دیده و مشام رسید و تا آخر همان بود. به یکباره در شب قدر بر قلبش نشست و دیگر تمام راه و رسم و قول و فعلش قرآنی شد و می دانست که خدا چه می خواهد و چه می گوید و اگرچه باید منتظر الفاظ و ترکیب کلمات باشد و با بارش جدید و نزول آیه و یا سوره ای، قانون و داستان و پند و عبرتی و خبر و دستوری و جنگ و صلحی و از این قوم در آن قوم و از این شخص و آن شخص به تفاوت احوال و حوادث پیش آید.

و معنای نزول کلی قرآن در شب قدر می تواند همین باشد که حقیقت قرآن، جهت گیری اصلی و همیشگی قرآن بوده است و آنگاه در طول ۲۰ سال و با حساب آن سه سال که برق وحی بر قلب پیامبر(ص) تابید، ۲۳ سال به تدریج به صورت آیه و سوره به تناسب و نیاز و پاسخ به سؤال یا حل مشکل و... نازل شده است. و لذا در قرآن اختلافی و تناقض پیامی نیست چون من عندالله است و دارای جهت واحد و توحید اصلی جاری در همه ی فروع و جزئیات و اگر غیر از آن بود باید پر از تناقض و اختلاف می بود. «و لو کان من عند غیر الله لوجدوا فیه اختلافاً کثیرا» (سوره نساء/۸۲)

پیامبر(ص) در سایه ی تغذیه و تربیت وحیانی و اتصال ربانی و وصول به عالم ملکوت خود نیز در عالم ملک و ناسوت از یک وحدت شخصیت و عدم تناقض و تفارق و تخالف در قول و فعل برخوردار شده بود که با همه ی صعودها و معراج های روحی در طول زمان و افزایش کمال و قرب به سوی رب الارباب که لازمه ی عبودیت خالصانه و راز و نیازهای شبانه تا رسیدن به مقام محمود و مأمور بودن به طلب افزایش «علم و آگاهی» که «قل رب زدنی علماً» اما در یک سیر صعودی و صراط مستقیم بدون هیچ نقص و لغزش که برای دیگران خود تجسم حقیقت و صراط مستقیم و عین میزان و معیار شده بود که با حفظ در طول بودن با «کمال مطلق» و «مقصود نبوت» اطاعت و پیروی از او، همان اطاعت از خداوند شمرده شد و عین عبادت پروردگار که «هرکس خدا را دوست می دارد پیامبر(ص) را باید پیروی کند» « قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله...» (سوره آل عمران/۳۱)

پیامبر(ص) دیگر خود «قرآن ناطق» بود و جان و جهان او شکرستان و همه اش از نعمت و دولت قرآن بود. او با قرآن دیگر شده بود.

چونکه در جان رفت جان دیگر شود
جان چو دیگر شد جهان دیگر شود

حال سخن این است که رفتار پیامبر(ص) با قرآن چگونه بود؟

این نوشته در صدد بیان تاریخ قرآن نیست که خود مبحثی عظیم و دارای شأنی رفیع و حوصله ای نه در خود مقصود این نوشته است بلکه مراد آن است که با آگاهی از سنت و سیره و رفتار و منش پیامبر(ص) در رابطه با قرآن به وظیفه ی خود در ارتباط با کتاب الهی بهتر بتوانیم حق آن امانت الهی را ادا کنیم تا شامل کلام دلهرانه و دل نگرانی و شکایت وار حضرت رسول(ص) نشویم که به خداوند عرضه داشت «قوم و امت من این قرآن را مهجور قرار دادند و رها کردند. «و قال الرسول یا رب ان قومی اتخذوا هذا القرآن مهجوراً» (سوره فرقان/۳۰ )

کتابی که در کلام پیامبر(ص) به عنوان« ثقل اکبر و گرانسنگ و یادگار و امانت او بعد از خود برای ما امتش قرار گرفت که اگر بخواهیم «گمراه» نشویم و راه هدایت رویم باید به آن چنگ زنیم که قرآن راه خدا و رسول است و «سنت» و «عترت» آن حضرت(ص) مبین و معرف آن راهند. و هر دو گرا سنگ و به هم وابسته و پیوسته و مرتبط و جدایی ناپذیر. قال النبی(ص):« انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی(سنتی) اهل بیتی ما ان تمسکتم بهما لن تضلوا ابداً و انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض»

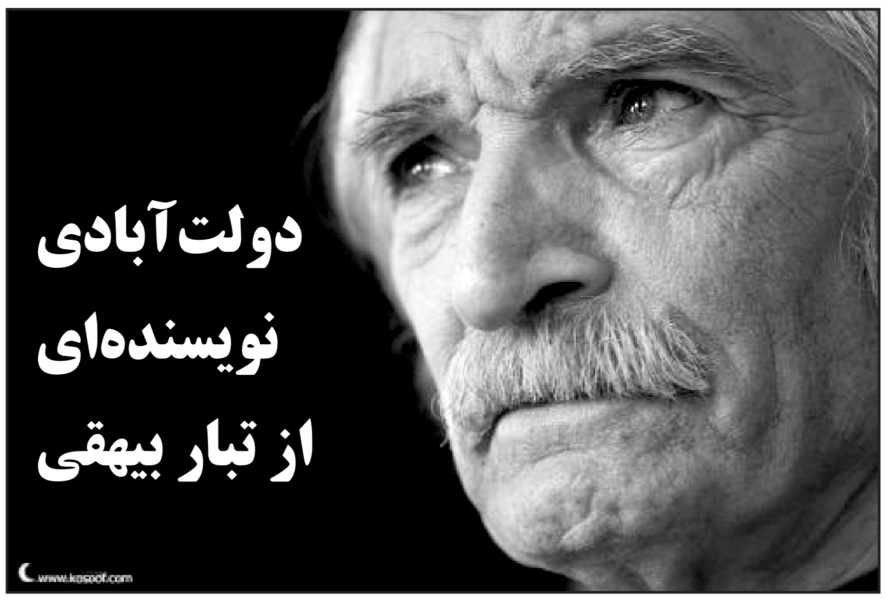
(حدیث متواتر در نزد فریقین، صحیح مسلم، ج۲، ص۴۵۰ نزدیک به همین مضمون)

پیامبر(ص) قرآن را برتر از هر چیزی بعد از خداوند می دانست و می فرمود: « القرآن افضل کل شی دون الله، فمن وقر القران، فقد وقرالله و من لم یوقر القرآن، فقد استخف بحرمه الله» هر کسی که قرآن را گرامی بدارد خدا را گرامی داشته و کسی که چنین نکند حرمت الهی را کوچک شمرده است.(الحیاه، ج۲، ص۲۲۷)

قال النبی(ص):« فضل القرآن علی سائر الکلام، کفضل الله علی خلقه» برتری قرآن بر دیگر گفتارها مانند برتری خداوند است بر همه ی آفرینش او. (الحیاه، ج۲، ص۲۲۷.) قرآن حقیقت همه ی آفرینش و تجلی آفریننده است لذا جوامع الکلم است. پیامبر(ص) خود می فرمود:« اعطیت جوامع الکلم»

امام باقر(ع) فرمود:«القرآن» (امالی شیخ طوسی، ج۲، ص۹۹–۹۸) (الحیاه، ج۲، ص۲۱۷)

سخنان جامع به من داده شده است و امام(ع) فرمود: مقصود قرآن است. به تعبیر حکیم مفسر آیت الله جوادی آملی: چون هم حکمت نظری را در بردارد و هم حکمت عملی را به خوبی جامع است.(تفسیر موضوعی قرآن مجید، ج۱، ص۱۳)




شماره ۷۶ مجله بخارا با تصویری از محمود دولت آبادی بر روی جلد، به مناسبت هفتادمین سال تولد وی، انتشار یافت و در اختیار علاقمندان قرار گرفت.

در سرمقالهٔ این شماره به قلم علی دهباشی چنین میخوانیم : دولت‌آبادی ، نویسنده‌ای از تبار بیهقی

نویسندگانی هستند که شاید منتقدان بتوانند، و به یقین می توانند، به نقّادی چند و چونِ آثارشان بنشینند، اما در جایگاه و موقَعیت آنها در ادبیات داستانی جایی برای چند و چون نمی‌یابند. محمود دولت‌آبادی، بی‌گمان، یکی از این نویسندگان است. منتقدان ادبی می توانند در بابِ فراز و فرود آثارش بحث‌های فراوان کنند، اما همگان بی‌شبهه پذیرفته اند و می‌پذیرند که دولت آبادی در ادبیات داستانی ایران یکی از بی‌همتایان است.

اغراق نیست اگر بگوییم که سیمای مردم ایران، به‌ویژه خطهٔ خراسان، چنان دقیق و زنده در داستان‌های او توصیف میشود که برای همیشه در دل و جان مخاطبی نقش می‌بندد که شاید هرگز به این خطه سفر نکرده باشد. باز هم اغراق نیست که بگوییم نسلها با کلیدر و جای خالی سلوچ او بزرگ شده‌اند و می‌شوند. چه کسی می‌تواند بلقیس، شیرو، مارال، گل‌محمد، مِرگان، عبدوس و...، این فرزندگانِ قامت برافراشته‌ی دولت‌آبادی را از یاد ببرد.

دولت‌آبادی از پسِ جمالزاده، هدایت، علوی، آل‌احَمد، ساعدی، دانشور و... در عرصهٔ رمان و داستان‌نویسی ظهور کرده و اینک بر قلهٔ رمان نویسی نشسته است و در آثارش حقیقت جویی و عدالت خواهی و ظلم‌ستیزی از اولویت اصلی برخوردار است. نقش و مُهر دولت آبادی بر تارک ادبیات داستانی مدرن ایران زده شده است.

تجلیل از نویسنده‌ایی چون او کار ساده‌ای نیست. سال‌ها کار و تلاش و نوشتن چهره‌ایی خشک و جدی و به تعبیر برخی تلخ به این داستان نویس ایرانی بخشیده است اما برای بینندهٔ کمی موشکاف‌تر مهربانی عمیق دولت‌آبادی از پس آن جبین درهم آشکار است، همان‌گونه که در پس تلخی تمام داستان‌هایش می‌توان امیدی را دید که چون نهالی میکوشد تا از چاک چاک زمین بیحاصل سربرکشد و دست بر آسمان و آفتاب ساید.

نویسندهٔ محبوب ما اینک هفتمین دههٔ زندگیش را می‌گذارند و پشت سر خواهد گذاشت و هنوز قلمش جوشان و با جوهر وجودش آمیخته است. او از معدود نویسندگانی است که قدر خود و کارش را میداند و به درستی به جایگاه خودش در ادبیات معاصر ما واقف است.

آثاری که به قلم دولت‌آبادی آمده است اکنون جزیی از حافظهٔ ادبی و تاریخ مردم ساکن بلندی‌های پامیر، بدخشان، هرات، کابل، بخارا، سمرقند، مرو، خجند، سبزوار، بوشهر، تبریز و ... است. و سرانجام اینکه دولت‌آبادی موفق شده است در حوزهٔ جغرافیای تاریخی زبان فارسی یگانه باقی بماند.

در این شماره ما به وسع خود که هرچند ناچیز است به جشن هفتاد سالگی محمود دولت آبادی نشسته‌ایم. قصدمان یادآوری خاطراتی است که بیش از دو نسل با داستان‌ها و رمان‌های او زندگی کرده است و بس. و جز این دعایش نگوییم که رودکی گفته است: هزار سال بزی، صدهزار سال بزی.

# مدیریت نابسامان فرهنگی در بوشهر



لغو برنامه تفریحی – آموزشی عمو پورنگ در بوشهر بعد از آن همه تبلیغ و فروش بلیط، بار دیگر نابسامانی و عدم تعامل مدیریت فرهنگی در بوشهر را نمایان ساخت. آنچه که قبل از این به تکرار و در مواقع بسیار از طرف روزنامه نگاران بیان شده بود، در بخشی دیگر از فعالیتهای فرهنگی خود را نشان داد و برنامه ای تفریحی – آموزشی را که از سوی اصولگرایان برگزار می شد، به تعطیلی کشاند. قبل از هر چیز باید از این اقدام اداره استاندارد تشکر نمود که گرچه در این خصوص وظیفه ای مستقیم ندارد، اما با درک اهمیت فعالیت های فرهنگی در آموزش مفاهیم استاندارد، ضمن اینکه تلاش داشت تا برنامه ای شاد برای کودکان بوشهر فراهم آورد، به طور غیر مستقیم نیز فرهنگ استاندارد را به آنها نشان دهد. اما اینبار نیز در مقابل این فعالیت فرهنگی، مدیریت نابسامان فرهنگی در اداره فرهنگ و ارشاد بوشهر، باعث شد تا دو اداره دولتی در مقابل همدیگر قرار بگیرند و چنانچه روحیه تعامل بر مدیریت ارشاد حاکم بود، به راحتی هماهنگی های اجرای این برنامه صورت می گرفت، اما این چنین نشد و آنچه ضرر کرد، بچه های بوشهر بودند که برای شرکت در این مراسم، برنامه داشتند و بلیط خریده بودند.

نکته ظریف هم در همین جاست که چرا مدیریت فرهنگی در ارشاد بوشهر بجای اینکه خود بانی اینگونه فعالیت های فرهنگی در سطح استان باشد، آنقدر دچار مسایل حاشیه ای شده است که نه تنها به وظیفه خود در اینگونه موارد ضعیف عمل می کند که همکاری لازم را جهت برگزاری اینگونه برنامه ها که از سوی دیگران اجرا می شود نیز انجام نمی دهد. نمونه روشن آن برگزاری مراسم روز خبرنگار در سال جاری است که ارشاد بوشهر ناتوان از برگزاری یک مراسم در خور روزنامه نگاران، ترجیح داد تا برنامه روز خبرنگار ارشاد را در سالن کوچک سازمان تبلیغات برگزار کند و با بسیج امکانات دولتی، حتا نتوانست صندلی های آن سالن را نیز پر کند و کمتر از صد نفر در آن مراسم شرکت نمودند، اما در مقابل برای برگزاری روز خبرنگار توسط سایت اطلاع رسانی بنا، بجای اینکه به آنها کمک کند، چند صد هزار تومان را برای در اختیار گذاشتن مجتمع فرهنگی از آنها دریافت نمود. نمونه دیگر آن نیز میلاد رسول اکرم (ص) در سال گذشته بود که بجای اینکه ارشاد بوشهر، این روز را با حضور روزنامه نگاران و هنرمندان جشن بگیرد، نه تنها اینکار را نکرد که برای در اختیار گذاشتن سالن مجتمع فرهنگی برای برگزاری روز جشن میلاد حضرت رسول اکرم (ص)، تقاضای چند صد هزار تومان از خانه مطبوعات محلی بوشهر را نمود و به عبارتی، از برگزاری جشن روزنامه نگاران و هنرمندان در مجتمع فرهنگی جلوگیری نمود.

نکته دیگر در لغو برنامه عمو پورنگ در بوشهر، ضعف شدید استانداری بوشهر در سر و سامان دادن به اختلافات دو اداره دولتی در برگزاری یک جشن فرهنگی است. حقیقت موضوع اینکه استاندار جدید بوشهر در مقابله با وضعیت نابسامان فرهنگی در بوشهر هیچ برنامه ای تا کنون ارائه نداده و به نظر می رسد که دغدغه وی سر و سامان دادن به وضعیت نابسامان فرهنگی در بوشهر نیست.

## نمایشگاه عکس در حوزه هنری بوشهر

در ادامه بر پایی نمایشگاه های هنرمندان حوزه هنری بوشهر نمایشگاه عکسی با موضوع کوهنوردی در " گالری سوره " با حضور هنرمندان و تعدادی از مدیران اجرایی ، مدیر کل تربیت بدنی و تعدادی از روسای هیئت های ورزشی افتتاح شد. ای نمایشگاه به همت هیئت کوهنوردی استان و با همکاری حوزه هنری بوشهر به مناسبت هفته تربیت بدنی برگزار گردید.

## تولیدات جدید واحد هنرهای نمایشی حوزه هنری استان بوشهر

واحد هنرهای نمایشی حوزه هنری در حال تولید ۴ نمایش صحنه ای جهت اجرای آزاد در ۶ ماهه دوم می باشد. نمایش : "اینجا چه خبرن "به نویسندگی و کارگردانی غلامرضا بارونی – نمایش: "بنات النعش" به نویسندگی محمد لطفی و کارگردانی غلامرضا احمدی– نمایش : "تهی "به نویسندگی و کارگردانی مرتضی مهیار – نمایش: "دندون لق" به نویسندگی فرشید تربیت و کارگردانی محمد مهدی صمیمی .

## شاعر طنز پرداز استان به رحمت ایزدی پیوست

عباس محمدزاده اهرمی شاعر روشن دل طنزپرداز استان دار فانی را وداع گفت و به دیار باقی شتافت . مرحوم محمدزاده اهرمی در اولین و دومین جشنواره طنزوک توانسته بود برگزیده این جشنواره گردد.وی یکی از شاعران برجسته استان به حساب می آمد که آثار ماندگاری را ، از خود بجای گذاشته است. نسیم جنوب ضایعه درگذشت این شاعر محبوب و مردمی را به خانواده ایشان و جامعه هنری تسلیت می گوید .روحش شاد و یادش گرامی باد.

## رونمایی از کتاب «مرثیه نقده دوز»

در گردهمایی که با تلاش موسسه فرهنگی،ورزشی شهرداری بوشهر در محل ساختمان امیریه (شورای شهر بوشهر) برگزار گردید، از کتاب «مرثیه نقده دوز» به نویسندگی حسین دهقانی رونمایی شد.در این برنامه که با حضور جمعی از اهالی فرهنگ و هنر بوشهر همراه بود، امید غضنفر شرحی از بیوگرافی حسین دهقانی را برای حاضرین بیان نمود و فرشید جان احمدیان منتقد داستان به شرح مختصری در مورد کتاب ایشان و تاریخ داستان نویسی در بوشهر پرداخت. در ادامه دکتر مشایخی، دکتر حمیدی و دکتر نبی پور پیرامون فرهنگ، تمدن و بافت قدیم بوشهر سخنرانی نمودند. پایانبخش این برنامه اجرای موسیقی ایرانی بود.

## اجرای گروه موسیقی دیار درخارگ

گروه موسیقی دیاربوشهر به سرپرستی غلامرضا وزّان و به دعوت روابط عمومی شرکت فلات قاره به مناسبت سی و یکمین سالگرد تاسیس شرکت نفت فلات قاره ایران در جزیره خارگ به اجرای برنامه پرداخت. به دنبال اجرا های درخشان و موفق گروه دیاردر استان اینبار در جزیره طلایی خارگ به اجرای موسیقی بوشهر پرداخت. گروه دیار که خود را برای یک تور کنسرتی در استان آماده می کند با اجرای جدید ترین آثار خود مدعوین این مراسم را به وجد آورد. این گروه بااهتمام ویژه به سنت ها و آئین های رایج در فرهنگ مردم استان ومعرفی مقام های موسیقی بوشهر از شمال تا جنوب استان موفق به جلب نظر و تشویق مدعوین این مراسم گردید. اجرای ترانه ها بومی خاطره انگیز، اجرای فرم های یزله ، نیمه و معرفی قطعات آوازی رایج در موسیقی بوشهر از ویژگیهای بارز این اجرا بود. نوازندگان گروه دیار: محسن نوشزاد، میثم عبدالشیخی ، بیژن عبدالشیخی و حسین مقاتلی مطلق صدای غلامرضا وزّان را در این اجرا یاری می کردند .

**شهردار بوشهر خطاب به لغو کنندگان برنامه عمو پورنگ:**

## سریعاً از کودکان بوشهری عذرخواهی کنید

در پی لغو برنامه کودکانه داریوش فرضیائی (عمو پورنگ) بدلیل ناهماهنگی بین اداره فرهنگ و ارشاد بوشهر و اداره استاندارد (برگزار کننده مراسم)، شهردار بوشهر ضمن ابراز عدم رضایت از فضای فرهنگی استان بوشهر، از عاملان لغو این برنامه انتقاد کرد.

به گزارش "پایگاه اطلاع رسانی بُنا"؛ فضل ا... توسلی شهردار بوشهر در واکنش به لغو برنامه عمو پورنگ گفت: بنده در مقام شهردار این شهر از اینکه احساسات این همه کودک بوشهری جریحه دار شده، از وقوع این حادثه تلخ عذرخواهی می کنم.

وی افزود: نباید فضا را به سمتی برد که به جای فراهم نمودن امکانات مناسب جهت تفریح و شادی کودکان و خانواده هایشان، قلوب پاک آنان را جریحه دار کرد.

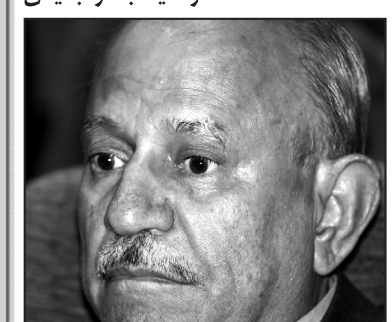
شهردار بوشهر بر لزوم توجه ویژه به کودکان بوشهری تأکید کرد و خواستار فراهم نمودن شرایطی مطلوب جهت زندگی ایده آل فکری، فرهنگی، معنوی و شادی بخش برای کودکان بوشهری از سوی دستگاه های فرهنگی شد.

توسلی با انتقاد از لغو کنندگان برنامه عمو پورنگ تصریح کرد: کودکان بوشهری هرگز آنان را نخواهند بخشید و عاملان لغو این برنامه باید هرچه سریعتر با حضور در میان کودکان از آنان و خانواده هایشان عذرخواهی کنند.

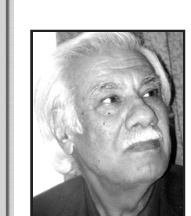
## شعر جنوب

### من تقاضا می کنم

**دکتر سید جعفر جمیدی**



رفته بودم قصه ی دل را به چوپانان بگویم
گوسفندی شاخ زد بشکست آوا در گلویم
قصه ام خاموش شد لبخند در فواره افسرد
خنده ی مهتاب آبی شد فرود آمد به سویم
شعر خواندم ، حرف گفتم، قصه بی ربط گفتم
اشک شد، اندوه شد پر کرد بخش و شهر و کویم
گفته بودم دل به دریا می زنم دریا به دریا
دوست پایم بست و در هم ریخت شوق و آرزویم
من که لبخندی ندیدم هیچ از این تار گیسو
تار گیسو ریسمان شد دوخت برگ سمت و سویم
پارسال از این گذر رفتم سبویم را شکستند
چیست امسال این شراب ذوق در جام و سبویم
کیستی تو چیستی در این سرای بی هماهنگ
من شنیدم آن چه می گویی، نمی دانم چه گویم
من سمندر وار «اگر باشد سمندر» در تنورم
هیچ می دانی سمندر سوخت در برق گلویم؟
من رها کردم شفا، تاریخ آدم گوی و حوا
که چگونه سوختند این سینه ی آیینه رویم
عشق غوغا می کند برخیز و با آتش سفر کن
تا ببینی چیست در این لا به لای های هویم
من تقاضا می کنم دیباچه تاریخ بگشا
تا چراغی را بیفروزی تو از این گفت و گویم



**چند رباعی از عبدالمجید زنگویی**

گفتم که به جان خود صفایی بدهیم
تا درد هزاره‌ها شفایی بدهیم
از زخم هزار ساله و درد قدیم
زنگار وجود را جلایی بدهیم

نقد و نظر خوب و بد آغاز کنیم
درهای سخن به روی هم باز کنیم
آن جا که بتون های مسلح خیزد
آهنگ شعور و معرفت ساز کنیم

شعری، شرری، به جان من افتادی
یا آیت عشقی که به تن افتادی
گنجی که به اقلیم دلم جا کردی
یا جان جهانی، به بدن افتادی

**فرزاد آرزم**

من سخره نشین کهن موج ها
پس پژواکی غریب بخش می شوم
رد پایی سپید
تا، بهشت کوچکی در وجودم رویید
و ایستگاه معراج عاشقان
رصدخانه سیاه پوش شهابهای آرزوی من است
و من ابتدای ادعای عشقی نابم
جزیره بی تاب آرزوهایم خیس خورده است
در حسرت یک کفش و کشف
با ماهیان مهتاب پوش و دولفین های غزل خوان
در ردپایی سپید سبز می شوم
و آن گاه تو ...

### خط کش

**بهاره فخری**

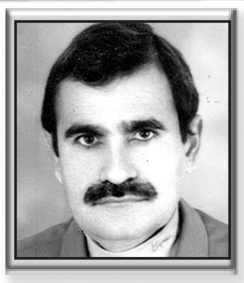
می رقصند در ذهنم
می بافم فکر تو را
گم کرده ام خودم را
در لا به لای سپیدی موهایت
چه قدر بالا و پایین روم با عقربه ساعت
و تو
این بار مرا هم
با خط کش
اندازه بگیر

نسیم جنوب
۵
اجتماعی
شماره ۶۰۰ یکشنبه ۲ آبان ماه ۱۳۸۹
NASIM JANOUB

سید محمد حسن درخشنده دبیر بازنشسته بوشهر:

تا زمانی که نگاه مسئولین به آموزش و پرورش یک دید مصرفی است

# نمی توان انتظار معجزه از معلمان داشت





مسئله عشق نیست در خور شرح و بیان/ به که به یکسو نهند لفظ و عبارات را

سید محمد حسن درخشنده در سال ۱۳۳۱ در ریشهر، شهر تاریخی بوشهر متولد شد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را همزاد شرجی و گرمای بوشهر گذراند. دوره کاردانی در شیراز و کارشناسی را در تهران گذراند. عشق به تدریس و معلمی مرحله به مرحله در وجودش ریشه دواند به گونه ای که، نمایندگی آموزش و پرورش دیلم – در زمان زنده یاد نبوی– و نیز مدیریت دبیرستان های بوشهر– در زمان مدیریت آقای سبحانیان– را نپذیرفت تا بتواند در کلاس های درس، افکار آموزشی و تخصصی اش را به جوانان همشهری اش در طی سی و چهار سال انتقال دهد. با این دبیر بازنشسته فیزیک مصاحبه ای انجام داده ایم که در زیر می خوانید:

– در سالهای اخیر دیده شده است که انگیزه بسیاری از دانش آموزان نسبت به درس خواندن کاهش یافته است. نظر شما در این باره چیست؟

– نه تنها انگیزه بسیاری از دانش آموزان برای درس خواندن کاهش یافته، بلکه اولیا دانش آموزان نیز به دلیل مشکلات اقتصادی و مشغله های اجتماعی، وقت کافی برای پیگیری فعالیت آموزش فرزندان خود ندارند. این مسئله در مراجعه اولیاء محترم به آموزشگاه ها که نسبت به گذشته بسیار کمتر شده قابل مشاهده است.

– برخی از دانش آموزان نیز معتقدند که بسیاری از دروسی که می خوانند، ارتباط چندانی با زندگی کنونی و آینده آنها ندارد و انگیزه لازم برای درس خواندن را در آنها بوجود نمی آورد. نظر شما چیست؟

– یکی از تعاریفی که برای آموزش و پرورش فعال کرده اند، ارتقاء ذهنی و علمی فراگیران و کسب مهارت های لازم جهت آماده کردن آنها برای زندگی آینده می باشد ولی محتوای کتاب های درسی، روش تدریس دبیران و نیز روش های برگزاری آزمون صفر تا بیست به گونه ای است که نوجوان تنها در حیطه دانش باقی می ماند و کمتر به مرحله تجزیه و تحلیل و ارزیابی می رسد. ناگفته نماند که فراگیران ایده آل هایی را در مدرسه می آموزند که در زندگی روزمره برای آنها قابل لمس نیست و این گونه است که انگیزه، کمتر و کمتر خواهد شد.

– در عدم ایجاد خلاقیت در بین دانش آموزان نقش متون درسی را تا چه اندازه مهم می دانید؟

– بدون شک محتوای درسی نقشی انکارناپذیر در ایجاد خلاقیت دانش آموزان دارد. اما اینجانب به روش های تدریس مفهومی و نیز برنامه ریزی کلان آموزشی هم در جهت ارتقا خلاقیت نوجوان ارزش زیادی قائل هستم.

– برخی معتقدند که شیوه سنتی کلاس داری معلمان و میل به تسلط آنان بر کلاس، باعث از بین رفتن روحیه خلاق دانش آموزان می شود. نظر شما چیست؟

– در نظام های پیشرفته آموزشی، معلم در نقش ناظر و راهنما قرار دارد و آن کس که به مفهوم مطالب می رسد خود فراگیر است. در صورتی که در نظام آموزشی سنتی و غیرفعال معلم محوری باعث می شود که برای یک سوال تنها یک پاسخ کلیشه ای که در نظر معلم است راه را برای بروز خلاقیت و رسیدن به جواب های خلاقانه و قضاوت مسدود می کند.

– به نظر برخی از کارشناسان و صاحب نظران علم تعلیم و تربیت، یکی از دلایل عمده میزان بالای افت تحصیلی، وجود تربیت خشن و نظم پادگانی در برخی مدارس است. و معتقدند که به طور کلی نظمی که در مدارس ایران وجود دارد نظمی پادگانی است. نظر شما چیست؟

– علمای تربیتی یادگیری را «تغییر رفتار نسبتا پایدار» تعریف کرده اند. حال اگر یک روش تربیتی رفتار نوجوان را با تهدید و خشونت تغییر دهد حتی اگر موفق هم بشود این تغییر رفتار موقتی خواهد بود و یادگیری صورت نگرفته است. هم چنین از آنجا که خاوندگار انسان را آزاد آفریده، دل پاک و بی آلایش نوجوان نیز در مقابل هرگونه زور و خشونت موضع گیری خواهد کرد و چه بسا که باعث ناهنجاری گردد.

– برخی از صاحب نظران به وجود تنبیه فیزیکی در مدارس و یا مجازات های سنگین روحی و روانی اشاره می کنند و معتقدند که بسیاری از معلمان و مدیران با تنبیه فیزیکی، تحقیر، توهین و ویران کردن شخصیت دانش آموزان قصد دارند آنها را آرام کنند و یا وادار به درس خواند کنند. نظر شما درباره تنبیه فیزیکی و روحی دانش آموزان چیست؟

– درس معلم را بود زمزمه محبتی/ جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را. اصولا تنبیه بدنی هیچ گونه جایگاهی در نظام آموزشی ندارد و این مسئله نسبت به دیگر موارد آئین نامه ای بیشتر رعایت می شود. در سال های اخیر خوشبختانه درصد تنبیهات دانش آموزان خیلی کمتر شده. هرچند که هنوز هم گاهی تخلفاتی در این زمینه صورت می گیرد. اندیشمندان تربیتی عصر ارتباطات را عصر کودک نام نهاده اند و اعتقاد دارند با شخصیت دادن به کودکان و تشویق آنها در مشارکت به رشد و شکوفایی آنها کمک کرده ایم.

– برخی نیز معتقدند که یکی از دلایل بی اهمیتی دانش آموزان به درس خواندن، مسایل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه است. مسایل جاری جامعه تا چه اندازه می تواند در انگیزه درس خواندن آنها موثر باشد؟

– چون انسان یک موجود متفکر و اجتماعی است هر نوع کنش و رفتار سیاسی، اجتماعی را تحت تاثیر قرار می دهد. دانش آموزان که اکنون جمعیت آنها نزدیک به ۱۲ میلیون نفر است در واقع بخش عظیمی از این جامعه سیاسی – اجتماعی ایران هستند و هر نوع رفتار سیاسی بطور یقینی بر آنها بی تاثیر نیست.

– اصولا غالب دانش آموزان چه درکی از آینده خود دارند و یادگیری علم و دانش را در چه مرتبه و اهمیتی از زندگی خود قرار داده اند؟

– متاسفانه بیشتر دانش آموزان تا قبل از رسیدن به مرحله کنکور هیچ گونه شناخت و درک درستی از آینده شغلی و رشته تحصیلی خود ندارند. برای بیشتر دانش آموزان این رتبه کنکور آنهاست که آینده شغلی آنها را تعیین می کند نه علاقه و استعداد آنها. عدم تطابق رشته های آموزشی دردانشگاه و نیز بازار کار بر پیچیدگی این کلاف افزوده است.

– البته برخی نیز انگشت اتهام را به سوی معلمان نشانه می روند و معتقدند که بسیاری از معلمان بدلایل مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی انگیزه لازم را برای تعلیم دادن نداشته و دلسوزی سابق را برای یادگیری دانش آموزان ندارند و با بی حوصله گی و دلسردی در سر کلاس حاضر می شوند. نظر شما در این باره چیست؟

– معلمان نیز بخشی از همین جامعه هستند. تا زمانی که نگاه مسئولین به وزارت آموزش و پرورش یک دید مصرفی است و نظریه متفکر انگلیسی که آموزش و پرورش سرمایه گذاری ملی است جایگاه و مقامی ندارد– البته در عمل، نه در حرف– و نیز از تشکل های صنفی مستقل معلمان حمایت و پشتیبانی نشود، نمی توان انتظار معجزه از معلمان داشت. نکته دیگر در این زمینه انتخاب مدیر از طریق رای گیری معلمان آموزشگاه باشد و نه انتصاب مدیر توسط رئیس آموزش و پرورش.

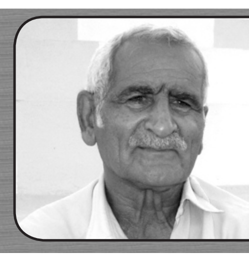
– در پایان چه پیشنهادی برای کم نمودن افت تحصیلی دانش آموزان دارید؟

– تشکیل و تقویت کتابخانه– کارگاه های سمعی و بصری در تمام مقاطع خصوصا ابتدایی و نیز تشکیل کلاس های دروس علوم پایه به شکل خصوصی– بازدید مستمر از مراکز علمی و صنعتی– بیشتر کردن گردش های تفریحی و علمی در سطح استان و خارج از استان. توسعه فضاهای ورزشی و ایجاد بستر مناسب برای ورزش های مختلف مناسب هر شهر و استان و در پایان به عنوان پیشنهاد غائی و تا حدودی آرمانی انتظار این است که نظام آموزشی کشور عزیزمان ایران از حالت شدیدا متمرکز به سمت نیمه متمرکز و حتی غیر متمرکز حرکت کند و آن قدر تفویض اختیار به مدیران واحدهای آموزش داده شود که با خیال راحت اهداف آموزش را دنبال کنند. زبوسیدنی های این روزگار/ یکی هم بود دست آموزگار.

---

خاطرات خواندنی عبدالحمید فقیه مدیر پیشین مدرسه عاشوری (کهریزی) در بوشهر: (۳)

# اتفاق تلخ در هنگام خدمت



### راه اندازی مدرسه شوکت سلامی

در سال ۱۳۵۶ در جوار مدرسه عاشوری روبروی بانک صادرات فعلی آموزش و پرورش منزل شخصی متعلق به حاج ابول شریفی اجاره کرد جهت نزدیکی راه دخترانی که از (مفگه) جفره ماهینی و بنمانع به مدرسه معینی می رفتند، نام مدرسه را شوکت سلامی گذاشتند به مدیریت خانم مدینه پور نجفی. شوکت سلامی یکی از فرهیختگان بازنشسته بوشهر بود که حق بزرگی در گردن فرهنگ بوشهر داشت. بعدا نام مدرسه شوکت سلامی در ساختمان جدیدالتاسیس به خدیجه کبری تغییر کرد. در سال۱۳۵۹ پس از اتمام ساختمان عاشوری، از مدرسه زاهدی به مدرسه عاشوری نقل مکان کردیم. اداره آموزش و پرورش از من خواست که به خاطر نزدیکی راه دانش آموزان دختر، مدرسه را یک شیفت دخترانه کنم و این اینکار انجام شد. شیفت دخترانه تمام کادرش خانم ها بود باستثنای مدیر که خودم بودم. در سال اول تقریبا ۲۰۰ نفر دانش آموز دختر داشتم و۴۰۰ نفر هم پسر که سال به سال بر تعداد هر دو شیفت اضافه می شد.

### تخلیه مدرسه کهریزی و رفتن به مدرسه زاهدی

در سال ۱۳۵۶ مدرسه کهریزی احتیاج به تجدید بنا داشت. دو تا مدرسه در شمال مسجدصاحب الزمان (عج) بنمانع که تازگی ها، ساخته شده بود و به رو به اتمام بود یکی جهت کودکستان و دیگری جهت مدرسه راهنمایی که یک دیوار بین شان بود، تقریبا آماده بهره برداری بود. چون قرار بود مدرسه کهریزی تجدید بنا شود، مدرسه را به آنجا منتقل کردیم و دیوار بین آن دو را هم آوردیم پایین به اندازه راهی که جهت عبور دانش آموزان باشد، چون کلاس ها زیاد بود. انقلاب شد و مدیریت آموزش وپرورش بر عهده مرحوم نبوی قرار گرفت، بعد از انتقال دبستان مفتون به مدرسه جدید التاسیس۱۵ خرداد در مفگه، راهنمایی مفتون هم به دبستان کهریزی ملحق شد و بنام شهید زاهدی (از شهدای انقلاب در بوشهر) زیر نظر اینجانب شروع به فعالیت نمود. مدرسه ما دوباره سنگین شد، ۱۰۱ نفر کلاس های آمادگی، ۳۴۰ نفر دبستانی، ۶۰ تا ۷۰ نفر راهنمایی.

### اتفاق تلخ در هنگام خدمت

موقعی که در مدرسه جدید جایگزین شدیم یکی از دستشویی ها احتیاج به یکی دو متر لوله پولیکا داشت. مرحوم بوشهری (خدمتگزار مدرسه) را پشت ترک موتور سوار کردم و رفتیم مرکز شهر برای خرید لوله. پس از خریداری و در هنگام برگشت، سر چهار راه ولیعصر (عج) ماشینی شخصی با ما تصادف کرد. بوشهری چند خراش سطحی برداشت ولی خودم موقعی که به هوش آمدم متوجه شدم که دارند یکی از پاهایم را گچ می گیرند، پایم متورم شده بود و به ناچار مرا به شیراز منتقل کردند. در خیابان سعدی شیراز دکتر کلیمی بود بنام یوسف کهنیم، خیلی وارد بود، گچی که در بوشهر تا زیر زانویم گرفته بودند را شکاند و تا بالای رانم گچ گرفت. مدت تقریبا ۵۰ روز در شیراز و بوشهر بستری بودم. بعد از مدتی گچ پایم باز شد و لنگ لنگان با عصا تا مدرسه می رفتم.

### شعار نویسی در کلاس ها

در مدرسه از بابت آمادگی و دبستان مشکلی نداشتم، ولی اداره مدرسه راهنمایی خیلی مشکل بود چون دبیران با هم اختلاف عقیده داشتند. گاهی با هم تند می شدند، دانش آموزان را تحریک می کردند که در مدرسه اغتشاش به راه بیاندازند. شب ها از راه جا کولری وارد کلاس آمادگی که نگهبان در آنجا نبود می شدند و شعاهایی به روی دیوار کلاس ها می نوشتند. پس از سه شب آنها را در کلاس در حین نوشتن شعار، شناسائی کردم. آنها شعار می نوشتند و صبح اول وقت می رفتم مدرسه بر روی نوشته ها رنگ می پاشیدم. جریان را با مرحوم نبوی در میان گذاشتم. این سه چهار نفر را هر یک به مدرسه های دور دست منتقل کردیم تا مدرسه به حال عادی خود برگشت.

### شروع جنگ و بمباران فرودگاه بوشهر

در تاریخ ۵۹/۶/۳۱ دانش آموزان جهت شرکت در راهپیمایی از مدرسه رفته بودند و با چند نفر از همکاران در دفتر نشسته بودیم، که ناگهان صدای غرش مهیبی به گوش رسید و سپس شیشه های پنجره کلاس ها فرو ریخت. رفتیم بیرون از دفتر که در حیاط متوجه شدیم که هواپیماهای عراقی حمله کرده اولین هدفشان تخریب فرودگاه بوشهر بوده تا جلوی پرواز هواپیماهای نیروی هوایی بوشهر را بگیرند. ولی کور خواندند و خدا با ما بود.

### چگونگی تغییر نام مدرسه از کهریزی به عاشوری

اما راجع به مدرسه که چگونه نامش از کهریزی به عاشوری تبدیل گردید. عاشوری آدم مبارزی بود که از ساواک نمی ترسید و مردم را برای از بین بردن رژیم منفور ستم شاهی دعوت می کرد، پای منبرش که می نشستی از سخنانش سیر نمی شدی، ولی حیف که ناجوانمردانه در منزلش موقعی که در حال وضو جهت ادای نماز بود به شهادت رسید. بعد از انقلاب حاج عبدالکریم افکار آزاد که یکی از معاونین مدرسه و از مریدان آن زنده یاد بود پیشنهاد نمود تا نام شهید عاشوری را روی مدرسه کهریزی بگذارند و اینچنین بود که نام مدرسه تغییر کرد و همچنین نام خیابان روبروی مدرسه را هم بنام عاشوری گردید. در آموزش و پرورش دو مدرسه به نام آن شهید فعالیت داشتند، یکی در چغادک و دیگری در بوشهر. چون تشابه اسمی بین آن دو بود و اغلب اشتباهاتی پیش میامد، مدرسه ای که در چغادک و آرامگاه آن مرحوم در آنجا بود به نام شیخ ابوتراب و مدرسه ای که در بوشهر به نام عاشوری بنمانع گردید.

### مدرسه جدید و کلاس خونی

اواخر سال ۱۳۵۹ که مدرسه عاشوری پس از تجدید بنا مورد بهره برداری قرار گرفت قصد داشتیم از مدرسه زاهدی به ساختمان جدید عاشوری بر گردیم. چند روز قبل از اثاث کشی رفتم دبستان، هنوز حیاط مدرسه ناهموار بود. از اتاق ها که سرکشی نمودم در یکی اتاق ها که نگاه کردم وحشتم زد. بدنه تا سقف اتاق خونی بود. البته این دو سه اتاق تازه جهت کودکستان درست کرده بودند. در موقع تجدید بنای ساختمان اصلی، دست به ترکیب آنان نزده بودند. آن اتاق کذایی از بس که دراز و باریک بود آقای حاج رحمان نبی پور آن اتاق را مینی بوس می نامید. به زور دو ردیف میز و نیمکت می شد گذاشت ولی آموزگار به راحتی نمی توانست راه برود. آقای نبی پور که آدم شریف، مومن، درستکار و بچه هایی در مدرسه داشت من جمله فرزند شهیدش عباس نبی پور که دانش آموز همین مدرسه بود، طرف مشورت من بود. در هر صورت بدون معطلی رفتم منزل چند تکه گونی و سطلی جهت آب و نردبانی هم از خانه همسایه ها گرفتم و گرفتار خون پاک کردن شدم تا دور موقع گرفتاربودم که توانستم اثرخون را ازبین ببرم. بعد از آن رفتم سر مغازه آقای غلام باغبان نژاد که همسایه مدرسه بود و جریان خون را از ایشان پرسیدم. گفت در آن اتاق کوچک دو افغانی زندگی می کردند که بخاطر پول دعوا یشان شد. آنکه قوی تر بود زبان دیگری را بریده وپولهایش را برداشته وآن زبان بریده هم فوت کرد. کار مشکل شده بود و اگرمعلمین بخصوص خانم ها می فهمیدند، سر آن کلاس نمی رفتند. در هر صورت وسایل مدرسه را بار کردیم آمدیم ساختمان جدید، کلاس ها را تقسیم بندی نمودیم و خانمی از بستگان خودم بدون اینکه متوجه قضیه شود، فرستادیم سر آن کلاس. دو سه ماهی گذشت خانم با عصبانیت آمد دفتر و گفت از بوی تعفن نمی شود سر کلاس کار کرد، بچه ها مریض می شوند. پهلوی خود فکرکردم نکند زبان بریده در کلاس زیر خاک کرده باشند. رفتم سراغ حاج عبدالرحمن نبی پور، آوردمش سرکلاس نتوانست دوام بیاورد.

### کارگری کردن برای درست کردن کف کلاس

بعد از تعطیلی مدرسه دم غروب بود که حاجی را پشت ترک موتور سوار کردم. گفت برو بنمانع نزدیک مغدر کنار بلوک زنی حاج حسین قادریانی ایستادیم. جریان را با حاج حسین در میان گذاشت. حاج حسین گفت چه کاری از دست من ساخته است؟ حاج نبی پور گفت مشکلی در مدرسه پیش آمده باید کمک کنی. حاج حسین در مدرسه یکی دو تا بچه داشت وعلاقه بخصوصی هم به من داشت و همیشه به مدرسه کمک می کرد. به آقای نبی پور گفت این کارگاه واین هم شما هرچه می خواهید بردارید. همان شب وانت بار آوردیم و مصالح مورد نظر از قبیل موزائیک، سیمان و ماسه بار کردیم و بردیم مدرسه. مبارک رمضان بود، فردا بعدازظهر آقای نبی پور شد استاد و من شدم کارگر. تمام وسایل بنایی هم در منزل داشت، کلاس کذایی را به اندازه ی ۳۰ سانت بالا آوردیم. افطاری هم آقای نبی پور فرستاد از منزل آوردند، بعد از صرف افطاری تا سحر کف اتاق را موزاییک انداختیم. بعداز چند روز دیگر دو اتاق دیگر و کریدور را هم درست کردیم بدون اینکه آموزش وپرورش بفهمد. این مصالح را آقای قادریانی مجانی در اختیار مدرسه گذاشت.

---

یادداشت جنوبی

## بازدید دانشجویان از عسلویه؛ طرحی قدیمی با رویکردی نو!

ابوالحسن گنخکی



محمد حسین جهانبخش استاندار بوشهر خبر داده رئیس دولت دستور اختصاص ۱۰میلیارد تومان اعتبار برای فراهم کردن شرایط لازم به منظور بازدید دانشجویان سراسر کشور از تأسیسات پارس جنوبی را به وزیر نفت صادر کرده است.

در زمان تصدی مسئولیت استانداری بوشهر توسط اسماعیل تبادار، یکی از برنامه های عملیاتی شده وی ایجاد تعامل و برقراری ارتباطی دو سویه با مدیریت منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس بود و در همین راستا نسبت به فعال سازی کمیسیون تعامل با مجموعه وزارت نفت با حضور مدیران مرتبط استانی و نفتی اقدام نمود. یکی از برنامه هایی زیرمجموعه این کمیسیون بازدید هفتگی جوانان استان از عسلویه بود. بازدید کننده ها عمدتاً جوانان سال آخر دبیرستان و دانشجویان بودند. روزهای آخر هفته، معمولاً پنج شنبه ها و جمعه ها بازدید صورت می گرفت و کمیته ای در دفتر سیاسی استانداری و با نظارت عبدالله آورا مدیرکل وقت دفتر سیاسی و سرپرست وقت دانشگاه جامع علمی کاربردی استان بوشهر، مسئولیت هماهنگی بازدیدها را بر عهده داشت. بازدیدکننده ها بوسیله دو یا سه دستگاه اتوبوس به منطقه اعزام می شدند و تا زمان بازگشت به مبدأ برنامه های متنوعی برای آنها اجرا می شد. در طول مسیر رفت و برگشت که معمولاً طولانی نیز بود به تماشای فیلم های مرتبط با استان و تحولات فرهنگی و اجتماعی آن می پرداختند و یا در اتوبوس ها در میزگردهایی با حضور نخبگان استان و اساتید دانشگاه ها راه های توسعه یافتگی بیشتر استان را کنکاش می کردند. در منطقه ویژه نیز وقت بازدیدکنندگان در اختیار مدیریت منطقه بود که پس از دیدارهای کوتاه در سالن اجتماعات سازمان، به بازدید از تحولات منطقه بویژه فعالیت های صنعتی می پرداختند و در این بازدیدها مسئولین امر آنها را در جریان تحولات گسترده صورت گرفته و در حال انجام در منطقه قرار می دادند. جالب آنکه دختران دانش آموز و دانشجو شانه به شانه و همگام با پسران در بحث های مرتبط حضوری چشمگیر داشته و حتا در بیشتر مواقع کنجکاوی های بیشتری ابراز می داشتند. بازتاب این بازدیدها چنان بود که سیل عظیم تقاضا برای بازدید از عسلویه روانه استانداری شده و کمیته هماهنگی امور بازدیدها مستقر در استانداری با امکانات محدود در اختیار استانداری قادر به پوشش همه تقاضاها نبود.

در پی تشکیل دولت نهم و انتصاب علی افراشته در مسئولیت استانداری بوشهر، با تغییر نگاه استانداری و مجموعه وزارت نفت نسبت به این بازدیدها، فعالیت های کمیسون تعامل به انزوا کشیده شد و بالطبع آن پرونده بازدید از عسلویه نیز مختومه گردید. اینک پس از گذشت ۵ سال از این ماجرا دوباره فیل دولت یاد هندوستان کرده و می خواهد برنامه ای که در دولت اصلاحات با نظم و جدیت خاصی دنبال می شد را دوباره زنده کند. بویژه آنکه تعمیم آن به گستره ملی را در ذهن می پرورانند. گرچه طی این سال ها عسلویه نیز چندان فعالیتی نداشته و موقعیتی برای بازدید از تحولات آن فراهم نبوده اما مهم تر آنکه بازگشت دولتمردان به برنامه های پیشین و تلاش برای تداوم آن را باید به فال نیک گرفت. امیدواریم نخست آنکه وعده اختصاص ۱۰میلیارد تومان اعتبار به دستور رئیس دولت برای این برنامه مهم به سرانجامی برسد، دوم آنکه بازدید از عسلویه به حضور در سخنرانی های مدیران منطقه ویژه و نهایتاً صرف ناهار ختم نشود. بهتر آن است آقای جهانبخش نیم نگاهی نیز به پرونده آن بازدیدها داشته باشند تا تجربه گذشته باعث غنی تر شدن برنامه جدید شود.

---

## چند سوال از رئیس سازمان میراث فرهنگی ،صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر

ایلیا دریایی

۱– بر سر پروژه هتل ۱۰۰۰ اتاقی لیان مند چه آمد؟
۲– پروژه پارک ملی لیان چرا هر سال سرمایه گذار مادر آن تغییر می کند ولی در آن سرمایه گزاری نمی شود؟
۳– چرا استان بوشهر موزه باستان شناسی ندارد؟
۴– علت توقف پروژه هتل ۴ ستاره (هتل های زنجیره ای راحت) که قرار بود در کنار ساحل بوشهر احداث شود چیست ؟
۵– چرا سازمان میراث فرهنگی ، صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر در مورد فروشگاه صنایع دستی که در زیر ساختمان معاونت صنایع دستی درمیدان امام واقع شده و از وسعت خوبی نیز برخوردار است آگهی مناقصه در نشریات نمی دهد؟
۶– چرا برای موزه مردم شناسی بوشهر که متاسفانه تنها موزه مرکز استان نیز می باشد راهنمای مسلط به حداقل زبان انگلیسی استخدام نمی کند؟
۷– دلیل توقف حفاری های باستان شناسی در کاخ هخامنشی چرخ آب برازجان چیست ؟
۸– دلیل تبدیل شدن تنها دفتر به ظاهر اطلاع رسانی گردشگری بوشهر به دفتر شرکت توسعه گردشگری بوشهر چیست؟

منتظر جواب های قانع کننده از سازمان میراث فرهنگی ،صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر هستیم
این داستان ادامه دارد ...

---

## ما قانع نیستیم

محمد شاکری مطلق – خورموج



آیا بوشهریهای ذاتا مردمی قانع هستند؟–در نگاه کلی جواب مثبت است اما اگر غوص کنیم در تاریخ رفته بر این استان ، جواب این سوال منفی است. اینکه به مرور اینگونه شده ایم آری و شاید هم نه! اما من به خود می گویم چگونه می تواند مردمانی قانع باشند ولی با ایثار یافت نشده در آن تاریخ، برای میهن ایثار کنند (نهضت جنوب را یادآور می شوم). چگونه می توانند مردمانی قانع باشند ولی بهترین ها را خواهان باشند همیشه، چگونه مردمانی قانع باشند ولی قله های علمی را نشانه گرفته اند و فتح کرده و می کنند، چگونه می توان مردمانی را قانع متصور شد که رنج مهاجرت به جان می خریدند تا زندگی بهتری را جستجو کنند (استان بوشهری هایی که مقیم خوزستان، فارس و... هستند) اینان قانع نبودند ولی چرا ما هستیم و آیا ما هستیم؟ حداقل این را شهادت می دهم که نسل من نیست (حضور فرزندان این سرزمین شمالی خلیج پارس در دانشگاه های برتر ایران وجهان گواهی می دهد که قانع نیستند، صعود شاهین به لیگ برتر نشان از این است که دیگر نسل قانع ها سپری شده ،حضور تماشاگران نیز در ورزشگاه هم این را نشان می دهد، آنان قانع نیستند که می خواهند شاهین بماند صعود کند به بالاتر) نسل جدید که به هیچ وجه نیست، پس با چشم پوشی بر نسل قانع می گویم دیگر از این پس این واژه را کمتر بکار خواهیم برد!

---

در سکوت طولانی مدت وزارت خارجه؛

## حمله بالگرد نظامی قطری به ماهیگیران ایرانی و ربودن ۶ ماهیگیر بوشهری

با گذشت بیش از سه هفته از ناپدید شدن شش ماهیگیر ایرانی که گفته می شود از سوی گارد ساحلی قطر مورد حمله قرار گرفته، تا کنون نه از سوی دولت قطر و نه وزارت خارجه کشورمان، اطلاعاتی از آنها در اختیار خانواده هایشان قرار نگرفته است.

به گزارش «تابناک»، در تاریخ ۱۳۸۹/۷/۸ دو قایق ماهیگیری ایرانی به قصد صید ماهی از بندر عسلویه حرکت کرده و پس از قرار گرفتن در خط مرزی دریایی میان ایران و قطر، از سوی بالگردهای قطری، مورد حمله قرار می گیرند که در این حمله، سه تن از سرنشینان این قایق ها، مجروح و سپس هر شش سرنشین آنها به دست گارد ساحلی قطر دستگیر و به دوحه منتقل می شوند. بنابر این گزارش و به نقل از منابع محلی، این رخداد که تاکنون سابقه نداشته، هنگامی روی می دهد که ماهیگران ایرانی، ناخواسته و بر اثر جریانات دریایی، وارد آب های ساحلی قطر می شوند که به دنبال آن، دو بالگرد قطری به سوی سرنشینان قایق های ماهیگیری ایرانی آتش گشوده و سه تن از آنها را مجروح کرده و سپس به دوحه منتقل می کند. به دنبال این رویداد، خانواده های ماهیگران یادشده به طور شخصی، پیگیر وضعیت آنها می شوند و برابر اطلاعاتی که به دست آورده اند، یکی از مجروحین به سبب اصابت گلوله به ناحیه سینه در وضعیت نامناسبی است و به همراه دو مجروح دیگر در بیمارستانی در دوحه بستری شده اند. همچنین سه ماهیگیر دیگر نیز در بازداشت قطری ها هستند، بدون آنکه مکان نگهداری و وضعیت رسیدگی به جرم آنان مشخص شده باشد. بر پایه این گزارش، یک منبع آگاه محلی به «تابناک» گفت: هم اکنون فرمانداری کنگان، استانداری بوشهر و وزارت خارجه در حال پیگیری بوده، ولی به نتیجه مشخصی نرسیده اند! وی افزود: تاکنون چنین رویدادی سابقه نداشته و به سبب جزر و مد دریایی و نزدیکی مرزهای آبی در خلیج فارس، همواره ورود قایق های ماهیگیری کشوری به آبهای ساحلی کشور دیگر رخ می دهد، ولی با یادآوری گارد ساحلی کشورها و در مواردی بازداشت موقت یک یا چند روزه، ماهیگیران آزاد می شدند. اما متأسفانه، این بار قطری ها به شکلی غیر مرسوم و بی سابقه، اقدام به شلیک به سوی ماهیگیران بی دفاع کرده اند.

در همین حال، برخی ماهیگیران می گویند، چند روز پیش از این حادثه، میان ماهیگیران ایرانی و قطری درگیری جزیی در این منطقه انجام شده بوده و به نظر می رسد، این کار قطری ها به تلافی درگیری یاد شده میان ماهیگیران دو کشور بوده است.

اکنون و با گذشت بیش از سه هفته از این رخداد، هنوز دولت قطر، مسئولیت این کار را به عهده نگرفته و پاسخ مشخصی نیز به خانواده های ماهیگیران ایرانی نداده است. از سوی دیگر، وزارت خارجه نیز هنوز نسبت این موضوع، موضع خاصی در پیش نگرفته است و خانواده های این افراد، در بلاتکلیفی هستند. با توجه به اینکه چنین رخدادی در تاریخ دریانوردی کشورمان، بی سابقه بوده و از سویی، هم اکنون قطر در میان دیگر همسایگان ایران در حاشیه خلیج فارس، روابط مناسب تری با کشورمان دارد، به نظر می رسد، رسیدگی به این حادثه، باید با جدیت و حساسیت بیشتری توسط وزارت خارجه پیگیری شود و طرف قطری نیز باید در برابر چنین کار غیر معمول و غیر منتظره ای، نه تنها پاسخگو باشد، بلکه به شکل شایسته ای نیز آن را جبران کند، چرا که در غیر این صورت، در آینده، شاهد رویدادهای بدتری از این دست خواهیم بود.

---

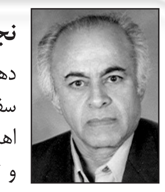
انتقاد مدیرکل کار بوشهر از مدیرعامل پارس جنوبی

## این وضعیت زیبنده نیست

مدیرکل کار و امور اجتماعی استان بوشهر گفت: صنایع و طرح های نفتی و پترشیمی مستقر در منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس جنوبی در عسلویه برای جذب نیروهای اشتغال خود با این اداره کل هماهنگ باشند. به گزارش "پایگاه اطلاع رسانی بُنا"؛ حسین حیدری در کارگروه اشتغال و سرمایه گذاری استان بوشهر در عسلویه افزود: به دلیل اینکه مدیران واحدهای پتروشیمی در عسلویه غیربومی هستند نیروهای غیربومی را نیز در این طرح ها مشغول به کار می کنند و این زیبنده نیست. وی با اشاره به آمار اشتغال نیروهای بومی و غیر بومی در پتروشیمی های عسلویه گفت: درصد نیروهای بومی و غیربومی در این شرکتها ۳۲ به ۶۸ درصد است. حیدری اضافه کرد: برهمین اساس ۹ هزار و ۱۹۹ نفر از افراد مشغول به کار در پتروشیمی های موجود در عسلویه غیر بومی و چهار هزار و ۳۰۳ نفر بومی استان بوشهر هستند و درصنایع مربوط به نفت و گاز نیز ۲۶ بومی و ۷۴ درصد غیر بومی است.

نسیم خاطره

## سفری به تنگستان



نجف آهوچهر

دهه چهل برای انجام کاری سفری به تنگستان و شهر اهرم کردم. پس از انجام کار و تقریبا ساعت یازده صبح، به علت اینکه وسیله نقلیه ای نبود که مرا به بوشهر بیاورد، با موتور سیکلت دوستی تا قهوه خانه گادویی که بین راه اهرم به بوشهر و خورموج قرار داشت رفتم. هوا ابری بود و احتمال بارندگی هم وجود داشت، جوانی خوش برخورد و تقریبا پرحرف قبل از من آنجا ایستاده بود و برای هر موضوعی ضرب المثلی یا شعری می خواند. یکی دوساعت ایستادیم تا اتومبیل وانت بار بزرگی که در آن زمان به آن پیکاب می گفتند و کابین پشت سرش هم مسقف بود از راه رسید. جوانی که پهلوی من ایستاده بود رفت آنطرف جاده چون می خواست به خورموج برود، به قول خودش برای پیدا کردن کار. اتومبیل ایستاد تا من سوار شوم، راننده به آن جوان نگاه کرد و پرسید کجا می روی؟ گفت خورموج. پرسید برای چه؟ جواب داد برای کار. راننده گفت حاضری شاگرد خودم بشی؟ جوان به سرعت آمد کنار اتومبیل و با راننده صحبت کرد و راضی شد با راننده همکاری کند و فورا پرید روی رکاب ماشین و اتومبیل حرکت کرد بطرف بوشهر.

در بین راه با راننده بلند بلند صحبت می کرد و با هم می خندیدند. جوان پرحرف بود و کم نمی آورد. از راننده پرسید: اسمت چیست؟ راننده گفت: هواپیما. جوان با تعجب نگاهش کرد ولی چیزی نگفت. به راه ادامه دادیم تا نزدیک روستای بنه گز. راننده از جاده اصلی پائین رفت و بطرف روستای گورک روانه شد و چند نفر مسافر در روستای گورک پیاده شدند. هوا سرد بود و نسیمی می وزید. بعد از پیاده شدن مسافران دوباره حرکت کردیم و بطرف جاده اصلی که از چغادک بطرف بوشهر کشیده شده رفتیم. بعد از چند دقیقه فرمان اتومبیل در دست راننده کمی سنگین شد و اتومبیل به یک طرف متمایل گردید. راننده ترمز کرد و پیاده شد و گفت یکی از چرخ ها پنچر شده است و به شاگرد تازه استخدام شده گفت: برو از جعبه وسایل تیلیور و جک و دنده پنج بیاور. شاگرد فورا دستور را اجرا کرد ولی در بین وسایل جک پیدا نشد. کمک راننده بعد از جستجوی زیاد به طرف راننده آمد و گفت:

هواپیما بود اسم طیاره
نه اسم شوفری که جک نداره

همه مسافران و راننده خندیدند و خستگی از تنمان در رفت. راننده به شاگردش گفت: بیا تا با هم برویم از خانه جک بیاوریم. شاگرد گفت نه. کی پهلوی ماشین وای میسه؟ تو برو ما با مسافرا اینجا می مونیم تا واگردی. راننده گفت اول سفر و ترشی از حالا تنبل بازی در نیار راه بیفت. ناچار همراه او شد و به طرف جاده اصلی حرکت کردند بعد از دو ساعت برگشتند و جک را آوردند و تایر عوض شد. بطرف بوشهر حرکت کردیم. چون برای عوض کردن چرخ پنچر اتومبیل، شاگرد خیلی زحمت کشیده بود و با هوای سرد عرق کرده و هن هن می کرد، این بیت شعر را خواند:

به نادانی بکردم من خیالی
به شاگردی دهم نان عیالی
شدم من مدتی شاگرد شوفر
نفهمیدم کُمُم از بهر کی دِرد(۱)

و دوباره همه خندیدند و حرکت اتومبیل بطرف شهر بوشهر، مسافران یکی یکی پیاده شدند و چون راننده همسایه ما بود مرا تا در خانه رسانید و خداحافظی کرد و رفت، پس از چند روز راننده را دیدم بعد از سلام و احوالپرسی از شاگردش جویا شدم گفت: عامو خیلی آدم چکنه ای بید و تو هرکاری دخالت می کرد. خلاصه باعث دردسر می شد. پیش خودم گفتم تا مسئله ای پیش نیومده عذرش بخوام . بنابراین پیلش حساب کردم و مرخص. گرچه جوان خون گرمی بید. و بعد گفت دیدی شعر سی مو درست کرد حالا هرجا می رم شعر هواپیما می خونن و ریم خنده می کنن:هواپیما بود اسم طیاره / نه اسم شوفری که جک نداره

۱.نفهمیدم کمم از بهر کی درد= نفهمیدم شکمم از بهر چه کسی پاره شد.

## آب و فاضلاب و کار نیمه کاره

شرکت آب و فاضلاب بوشهر بعد از اتمام کار در برخی از کوچه های شهر بوشهر، کار را نیمه تمام رها کرده و می رود. نمونه روشن آن در کوچه جانبازان در کنار میدان قدس است که شرکت آب و فاضلاب بعد از لوله گذاری در این کوچه، یک زیر سازی سطحی را انجام داد و آسفالتی کرد و رفت ولی چند روز بعد از رفتن آنها و بدلیل سطحی بودن کار و اینکه دقت لازم صورت نگرفته بود، درست در وسط کوچه و مقابل شورای حل اختلاف، کوچه نشست کرد و باعث دردسر مردمی شد که از آنجا عبور می کردند. بعد از حدود دو ماه از این مشکل و اعتراضات صورت گرفته، شرکت آب و فاضلاب آمد و از دوباره به زیر سازی آن محوطه اقدام کرد ولی از آسفالت کردن خودداری کرد و رفت. حالا هم بیش از دو ماه از این قضیه می گذرد و باز گودالی در وسط کوچه ایجاد شده است و باعث جمع آوری آب و دردسر بیشتر مردم شده است. یعنی باید یک کار به این سادگی را شش ماهه درست کرد؟ آیا بهتر نبود همان موقع زیر سازی آن اصولی و درست انجام می گرفت؟ چرا بعد از زیر سازی مجدد شرکت آب و فاضلاب یادش رفت که آنجا را آسفالت و لکه گیری کند؟ یعنی مسئولی توی شرکت آب و فاضلاب نیست که روی این چیزها نظارت داشته باشد تا مردم به دردسر نیفتند؟ منتظر اقدام شرکت آب و فاضلاب هستیم. (شهروند بوشهری)

معابد باستانی استان بوشهر

# کلات مند، معبد یا مقبره



سمیرا بهزادی – دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران

مقدمه: توجه به میراث های فرهنگی، اهمیت دادن به ملیت است و توجه داشتن به قومیت. احترام به نهادینه های دیرینه و دست آوردهای شکوهمند گذشتگان، حاصل نوعی تفکر مقدس گونه و اندیشه ی سالم و بی تفاوت بودن به ماندگارهای تاریخی و باستانی، بی علاقگی به خود است، به سرزمین خود و خاک خود. خاکی که بارور است. خاک اهورایی ایران به گونه است که سرتاسر آن سرشار از گنج است، گرانبها و پربها. این گنج ها، یا ذخائر معنوی و فرهنگی است یا ذخائر مادی و انرژی. هر گوشهٔ این خاک تابناک را که بکاوند، گنجی، معدنی، اثری، کاخی، برجی، مسجدی، آتشگاهی و... سراز خاک بیرون می زند.

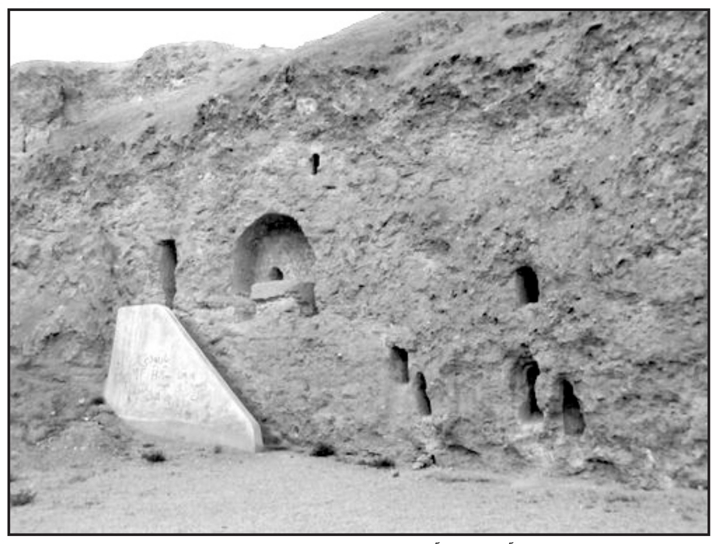
آیا زمانی که بقایای یک شهر باستانی یا تاریخی و ستون ها و سرستون های برخاک غلطیده و کاخی واژگون گشته و عمارت با خاک یکسان شده ای را از نظر می گذرانیم به تفکری عمیق فرو می رویم که با خود بگوییم اینجا روزی زندگی جریان داشته و حرکت و سکون کاروان ها، صدای زنگ شترها، گفتگوها و بگومگوهای بازرگانان و بحث و جدل طالبان علم را در زاویه ها و خانقاه ها و جشن و سرور مردمان آن روزگار را احساس می کنیم.

ساختن معابد به هر شکل و اندازه ای و در هر جای این سرای پهناور نیز گویای هنر دست ایرانیان قدیم بوده...

این بار خوانندگان عزیز را با معابد قدیم در استان آشنا می کنیم، هر چند این معابد در استان کم نبوده اند، اما بنا به اهمیت و نوع و شکل معماری آن ۲معبد مهم را برای معرفی انتخاب کردم، به امید اینکه مورد قبول واقع گردد.

### معبد کلات

در دامنه کوه مند در فاصلهٔ ۳۰ کیلومتری خورموج در جنوب روستای حیدری و در ارتفاعات سنگی مشرف به بستر قدیمی رودخانه سیلابی، آثار حجاری هایی در دل صخره ای بلند وجود دارد که راه باریکی از سطح بستر رودخانه به سمت اولین مدخل آن در ارتفاع ۶۰متری کشیده شده است. حفره ها و اتاقک ها و شاه نشین مشرف بر رودخانه خشک و چاه های آب، نشانه آن است که در اطراف این آثار جمعیت فراوانی ساکن بوده است و حفره هایی که در سینه کوه ساخته شده و از درون نسب به هم راه داشته اند یادآور حفره های چهل خانه سعدآباد و حفره های کوه خربس در جزیره قشم است.



البته ساختن چنین بناهای عجیب، پیچیده و عظیم باید هدفی بالاتر و والاتر از مسایل فوق الذکر داشته باشد. بیشتر حجاری ها و حفاری ها در دل کوه ها مثل چهل خانه سعدآباد و کوه خربس قشم و کلات مند مشرف به رودخانه یا دریا بوده اند و معمولاً رو به شرق (مطلع خورشید) یا رو به غرب (مغرب خورشید) بوده اند. چنین به نظر می رسد که این اتاقک ها عبادتگاه پیروان آئین میترائیسم قبل از ظهور زرتشت بوده اند.

درکلیه معابدی که در دل صخره تراشیده شده اند، از جمله در معابد بودایی و چینی و هندی و در معبد مسیحی و یا در معابد مهری، با وجود آنکه در ساختمان آنها نهایت سعی بر اختفاء می شده، عبور و مرور در داخل بنا به راحتی صورت می گرفته است.

نمای خارجی فعلی معبد کلات عبارت است از یک سکوی اصلی با سقفی قوسی شکل و دو مدخل دیگر و ده حفره به شکل روزنه هایی در طرفین سکوی اصلی که به منزله نورگیرها یا پنجرهٔ رواق های اصلی معبد عمل می کنند. به نظر می رسد قسمت میانی، مکان جلوس کاهنان یا مقربان و انجام مراسم مخصوص مذهبی بوده است. قربانی و یا کسی باید عمل مراسم مذهبی در مورد او انجام می شد، روی سکوی میانی قرار می گرفت.

در بستر خشک رودخانه آثار بندها و آبگردان هایی در اراضی پای کوه وجود دارد که حاکی از وجود میدانی بزرگ در جلو معبد بوده است. سطح این میدان را با خاک و سنگ به طورٍ مصنوعی بالا آورده اند. میدان جلو بنا ظاهراً محل تجمع گروه کثیری از مردم بوده که اکنون از بین رفته است.

نکته قابل توجه در معبد کلات وجود چاه های متعدد در اتاق های پائینی است که برای سوزاندن مردگان، نگهداری استخوان مردگان، زندانی ساختن مجرمین و محکومان، نگهداری بیماران غیرقابل علاج و یا استفاده از آنها به عنوان پناهگاه در هنگام هجوم دشمن.

بنابراین می توان گفت که بنای کلات خورموج در آغاز معبد نبوده بلکه ساختمانی برای مقابر بوده است.

معابد و مقابر کلات نیز مانند سایر شواهد تمدن خلیج فارس صبغهٔ مستقل و در عین حال متأثر از تمدنهای مختلف ایرانی، هندی، آشوری، فنیقی و ایلامی دارد.

### معبد پوزئیدون (خدای دریا)

در جزیره خارک معبدی وجود دارد که مورد علاقه و احترام ملاحان است. ساختمان این معبد به یونانیان منسوب است و از تاریخ احداث آن اطلاع صحیحی در دست نیست.

معبد پوزئیدون (خدای دریا نپتون) که با سنگهای خوشرنگش که در هیچ جای خارک وجود ندارند و بقایای آن هنوز آشکار است. در داخل معبد چیزی نیست مگر صحنه ای در جانب شرقی که مانند پله ای کوتاه برآمده است. آتشکده از سنگ نتراشیده و ملاط گل ساخته شده و در میان تالارهای آن بر محرابی آتش جاویدان مقدس می سوخته است.

در عهد ساسانیان بر روی بقایای این معبد آتشکده زرتشتی بنا شد، پس از شکست ایرانیان از اعراب و رواج اسلام این آتشکده به صورت مسجد درآمد و در داخل آن محرابی در جهت کعبه تعبیه شد. با وجود تغییر آئین و نژاد ساکنان جزیره، این مکان پیوسته مقدس بود. اما هنوز نزدیک خرابه های آن مسجدی با بام هرمی شکل بازمانده از قرن هشتم میلادی برپاست، به نام مسجد میرمحمد و گویا آرامگاه یکی از امامزادگان باشد.

پانوشت:
معبد: محل عبادت، عبادتگاه، پرستشگاه
کلات: قلعه، ده یا قلعه که بر روی کوه ساخته شده باشد.
مهرابه – مهراب – محراب مهر به معنای خورشید و آبه به معنی طاق یا ایوان ایوان خورشد

منابع:
– آثار شهرهای باستانی خلیج فارس و دریای عمان، تألیف احمد اقتداری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و انتشارات روایت، ۱۳۷۵.
– استان زیبای بوشهر، تألیف دکتر جعفر حمیدی، بوشهر: نشر شروع، ۱۳۸۴.
– مجموعهٔ راهنمای جامع ایران گردی «استان بوشهر»، حسن زنده دل و دستیاران، تهران: نشر ایرانگردان، ۱۳۷۷.
– لغت نامه دهخدا
– فرهنگ عمید

بوشهر دیروز

# حکایت هلیله قدیم (بخش دوم)



محمد علی بختیاری

تا سال های دهه سی و چهل خورشیدی، هلیله روستایی بیشتر کشاورزی بود و محصول پنبه ، گوجه فرنگی ، انگور ، پیاز ، خیار ، خیار چنبر و هندوانه آن برای فروش به بازار بوشهر آورده می شد. هر چند به خاطر محدود بودن زمین های کشاورزی ، مقدار این محصولات کم بود. دام زنده – بز و میش – نیز از دیگر تولیدات آن روستا بود که به مردم شهر فروخته می شد؛ با این حال خرمای آن روستا کفاف مصرف مردم را نمی داد و سالانه مقداری خرما از دشتستان به هلیله حمل می گردید. یکی از اهالی آنجا به نام حاج کاظم درباره معیشت مردم در دهه های اول قرن خورشیدی چنین بیان کرد که علاوه بر کشاورزی که بخاطر کمبود زمین های قابل کشت ، نمی توانست همه نیروی کار را جذب کند ، شغل های مقطعی نیز، براساس مقتضیات زمان ، برای جوانان و مردم روستا ایجاد می شد. در سال های نخست دوران رضاشاه ، شکر قاچاق بوده است (؟) و شکر خارجی به سواحل ایران و از آنجا به مراکز مصرف مثل بوشهر حمل می شده است. وی می گفت مردم هلیله واسطه رساندن شکر به بوشهر و حومه بوده اند . هلیله ای ها به روستای چهتل ( چاه تلخ ) می رفته اند و با کوله وری، شکر به بوشهر می آورده اند . یعنی شکر را در کیسه هایی پشت کول می زده اند و به طرف شبه جزیره بوشهر می آورده اند، و برای آنکه با پاسبانان برخورد نکنند هر کس مشتری خاص خود را داشته و مستقیما به خانه آن خریدار می رفته است: « یکی در رونی، یکی در امامزاده ، یکی در شهر ... » . در آن زمان واحد وزن «من» بوده است، من چهتل چهار کیلو بوده و من بوشهر سه کیلو و نیم . این اختلاف « من » ها نیز به سود کوله وران ( پیله وران ) شکر بوده و درآمد آنها را افزایش می داده است! چندین سال ( نزدیک به ۱۰ سال ) این تجارت برقرار بوده تا اینکه ظاهرا شکر آزاد می شود و این کار و کسب از رونق می افتد. بعد از آن ( یا همزمان با آن ) کسب و کار دیگری پیدا می شود و آن «گرگم» فروشی بوده است . گرگم (بر وزن بلبل) گیاهی بوته ای و خودرو است که در صحرا می روید و به ارتفاع بیش از یک متر می رسد (۱). این گیاه به سرعت آتش می گیرد و گرمای زیادی نیز تولید می کند . در آن زمان در محله های شهر بوشهر ( سنگی ، شهر و ... ) کوره های گچ پزی و گچ کوبی بوده که با سوخت « گرگم » – و شاید سایر انواع هیزم ها – کار می کرده است . مردم هلیله از زن و مرد عصرها به اطراف ولایت می رفته اند و گرگم هایی را که همه جا به فراوانی روییده بود می کندند و « تپه » می کردند ، صبح نیز بار خر می کردند و به شهر می آوردند و هر «خربار» گرگم را یک قران می فروختند و به روستا بر می گشتند . سال ها این کسب و کار پا بر جا بود (۲) تا زمانی که کارخانه ریسندگی و بافندگی اعتمادیه در دواس در سال ۱۳۱۷ بر پا گردید . افراد زیادی از همه جای بوشهر از جمله هلیله در آن کار می کردند. کارخانه سه شیفت کار می کرد . چند سال بعد بازار کار کویت پیدا شد . بسیاری از جوانان و گاهی پیران از سراسر استان و حتی کشور برای کار به کویت می رفتند . نزدیک به صد نفر از هلیله ای ها ( یعنی اکثر مردان روستا ) نیز در آنجا به کارهای ساختمانی مشغول بودند. این افراد دستکم یکسال در کویت می ماندند و بعد برای دو تا سه ماه به ایران نزد خانواده و زن و بچه هایشان بر می گشتند و پس از آن دوباره برای حدود یکسال دیگر به کویت می رفتند.

در دهه چهل خورشیدی و با رونق گرفتن کار و زندگی در کشور از جمله در شهر بوشهر ، کم کم کارگری در کویت از رونق افتاد و جوانان شهر و دیار، هر کس می توانست کاری را در شهر و استان خود پیدا کند ؛ عده ای مغازه گذاشتند ، عده ای راننده شدند و عده ای هم در ادارات و سازمان ها و تعدادی نیز در ساخت و سازهای شخصی و دولتی کار پیدا کردند .

از رویدادهایی که تأثیر بزرگی بر زندگی مردم جنوب ، به ویژه منطقه ما داشته است ، داستان حضور نیروهای بریتانیایی در اوایل قرن بیستم در خاک بوشهر است. همانطور که می دانیم در سال ۱۹۱۵ میلادی انگلستان با نقض بی طرفی ایران در جنگ جهانی اول ، شهر بوشهر را اشغال کرد. این حادثه و مسایل و درگیری هایی که بعد از آن اتفاق افتاد از مشهورترین حوادث تاریخ معاصر بوشهر و جنوب کشور است(۳). به گفته راوی نیروهای انگلیس اردوی بزرگی در تنگک و سنگرهایی نیز در مشرق ( کهباد ) امامزاده و جنوب ( هیرون ) سرتل داشته اند. سنگرهای جنوب سرتل در واقع هم مرز با زمین های کشاورزی شمال هلیله بوده است. ایشان تعریف می کند که بیشتر نیروها «هندو» بودند ، چرا که در آن زمان شبه قاره هند جزیی از امپراطوری بریتانیای کبیر بود . یکی از راههای اصلی مقاومت در برابر بیگانگان « شبیخون » ( یورش و جنگ شبانه ) بوده است . راوی تأکید می کند که شبیخون های زیادی از طرف مردم محلی از جمله هلیله ای ها به سنگرها و اردوگاه های نیروهای بریتانیا صورت می گرفته است و در این درگیری ها عده ای نیز از طرفین کشته و زخمی می شده اند. یکی از هلیله ای ها که در کار شبیخون سردسته بوده ، مشهدی عبدعلی (عبدو) بوده است . اکنون فرزندان و نوادگان وی (عیال عبدو) در بندرگاه سکونت دارند. از جمله کارهای مشهور و نمایان عبدو که زبانزد سالخوردگان هلیله ای است علاوه بر شبیخون ها ، دزدیدن اسب ها و قاطرهای زایر خضر خان اهرمی به دستور شیخ حسین خان چاهکوتاهی است. عبدو فردی بسیار جسور و مقاوم و سرسخت بوده است ، بطوری که راوی با شگفتی از او یاد می کند که : « نه گشنه اش می شد، نه تشنه اش می شد و نه سخت ترین گرماها را حس می کرد ... » در ماجرای سرقت اسب ها، عبدو به دستور شیخ حسین خان شبانه به اهرم می رود و به طویله زایر خضر خان دستبرد می زند. مشهور است که برای ترساندن یا ساکت کردن سگ های خان اهرم ، آن شب او لخت می شود و مانند سگ ها چار دست و پا راه می رود، بطوری که – چنانکه مشهور است – سگ ها هم از او می ترسند و پارس نمی کنند و او موفق می شود افسار همه اسب ها و قاطرها را باز کند و دور گردنشان بیندازد و آنگاه خود سوار بر مادیانی شود و راه فرار در پیش بگیرد . باقی اسب ها و قاطرها هم پشت سر مادیان از طویله خارج می شوند و عبدو می تواند آنها را به چاهکوتاه برساند و به شیخ حسین خان تحویل بدهد!

از آنجا که بریتانیایی ها، عبدو را به عنوان یکی از شبیخون زنندگان می شناخته اند ، همواره مترصد دستگیری او بوده اند و عبدو نیز همواره متواری (دررفتنی) بوده و زندگی تقریبا مخفی داشته است تا اینکه سخت بیمار می شود و مجبور می شود در خانه اش در هلیله استراحت کند. به گفته راوی ، یکی از اقوام عبدو به انگلیسی ها راپورت می دهد که او در خانه است و بیمار است و می توانید او را بگیرید! و بدین ترتیب، عبدو دستگیر می شود. ( راوی تأکید می کند که در آن زمان انگلیسی ها خبرچین و راپورتچی فراوان داشتند!) انگلیسی ها او را می برند و تا سال ها خبری از او نمی شود . همه فکر می کنند عبدو را کشته اند ، ولی بعد از هفت سال عبدو بر می گردد . در این مدت او در جایی در شبه قاره هند اسیر بوده است و در زمان برگشت به هلیله به زبان هندی یا پاکستانی حرف می زده! کم کم عبدو به زندگی عادی بر می گردد . در آن زمان جنگ و درگیری تمام شده بود . مدتی بعد وی با تعدادی دیگر از هلیله ای ها برای بازیاری (۴) به چاهکوتاه می روند. در آن هنگام شیخ محمد پسر شیخ حسین خان دموخی ( پدر مرحوم احمد خان ، آخرین خان رسمی قلعه چاهکوتاه ) ، به جای پدر، خان چاهکوتاه و شش آبادی اطراف آن بوده است . عبدو به همراهانش می گوید بهتر است سلامی به خان بدهیم، و به مجلس خان می رود . شیخ محمد با دیدن او تعجب می کند و با خشم و عتاب به آدم هایش می گوید: مگر شما نگفتید عبدو را کشته اند، عبدو که زنده است ! عبدو می گوید : خان ! آدم در جنگ یا کشته می شود یا زنده می ماند ، من زنده ماندم ولی هیچکس سراغی از من نگرفت ... و خان می پذیرد که خطا کرده است .

بعدها مشهدی عبدعلی به بندرگاه می رود و صاحب لنج می شود. حاج کاظم خلیفه با لنج بادبانی عبدعلی و به همراه وی چندین بار به بحرین سفر کرده است .

به گفته راوی این گشتی ها و سایر نیروهای بریتانیایی معمولا کاری به کسی نداشتند و سعی می کردند به افراد محلی آسیبی نرسانند. در ماجرای مرحوم عبدعلی هم با اینکه او سر دسته خونیان بوده تنها به تبعید وی اکتفا می کنند (۵).

توضیحات :

۱ – همانطور که می دانیم بیشتر نواحی ایران خشک و کم درخت است . به همین خاطر سوخت مورد نیاز مردم از جمله برای پخت و پز روزانه ، به ویژه در صفحات جنوبی و مرکزی ، مقدار کمی چوب و هیزم ، مقداری سرگین چارپایان و بیشتر « بوته های خار » بوده است . مردم روستاها و آبادی های بوشهر به خصوص زنان و دختران ، هر روز صبح ابتدا برای جمع آوری سوخت روزانه که شامل خارهای صحرا و سرگین خر و گاو بوده به بیابان های اطراف می رفته اند . خاراشتر ، سلنج ( solonj ) ، گرگم ، بنجه ، زاتک ، بادآورد و ... از بوته های خارداری است که سوخت رایج آن زمان را تشکیل می داده است . بازار خرید و فروش این سوخت ها نیز گرم بوده . مناطق شهری هیزم و زغال بیشتری مصرف می کرده اند. در زمان حکومت پهلوی دوم سوخت نفت و گاز کم کم رواج پیدا کرد و استفاده از سوخت های گیاهی و جانوری از رونق افتاد. نگارنده تحقیقی را در همین زمینه در دست نگارش دارد.

۲ – سالخورده ای از مردم بوشهر نیز ماجرایی را درباره گرگم تعریف کرد و گفت که از قدیمی تر ها شنیده که زمانی شهر بوشهر مصرف کننده بزرگی برای سوخت گرگم بوده است و اهالی گورک ها و پهکشی و آن اطراف هم مرتبا با خرهایشان با بار گرگم در حال رفت و آمد به شهر بوده اند ، بطوریکه معمولا گروه هایی که گرگم هایشان را فروخته بودند و در حال برگشت بوده اند با گروه هایی که در حال ورود به شهر بوده اند برخورد می کرده اند. راوی این داستان می گوید که این افراد به گروه مقابل – بصورت شعر و با آهنگ – می گفته اند که : پیلت شی بار گرگمی! و گروه مقابل هم با همان ریتم و آهنگ جواب می داده که : برو ، که خیرش ببینی!

۳ – کتاب های زیادی در اینباره نوشته شده از جمله کتاب « گوشه هایی از تاریخ مبارزات مسلحانه مردم جنوب » نوشته علیمراد فراشبندی و نیز منظومه « حماسه رییسعلی دلواری » با مقدمه و تصحیح و توضیحات پرارزش از آقای محمد دادفر.

۴ – بازیاری : کارگری در زمین های کشاورزی . چنین کارگر را « بازیار » می نامند .

۵ – انگلیسی ها خالو حسین بردخونی را هم که در معرکه نبرد دستگیر شده بود به بصره تبعید می کنند ولی یکسال بعد خالو حسین آزاد می شود و به بوشهر می آید و مبارزات خود را از سر می گیرد .

تولد وبلاگ فارسی
و تاثیراتش بر جامعه ایرانی

## وبلاگ
## پدیده دهه هشتاد ایران

عابدین عابدی زاده

وبلاگ، فضای مجازیی در کهکشان لامتناهی دنیای سایبر، با توجه به ویژگی های منحصر به فردی که داراست توانسته بر مقوله های مهمی چون فرهنگ، اجتماع، مذهب، هنر و بیشتر از همه بر فضای سیاسی چند ساله اخیر ایران تاثیر به سزایی بگذارد.

تاریخچه و تولد وبلاگ به اوایل دهه ۸۰ برمی گردد شاید به جرات بتوان گفت قبل از این دهه حتی نام آن به گوش هیچ ایرانی نرسیده بود. در شانزدهم شهریور ۱۳۸۰ سلمان جریری فارغ تحصیل مهندسی کامپیوتر از دانشگاه صنعتی شریف اولین وبلاگ فارسی زبان را ایجاد کرد.

جریری در اوایل بیشتر به مسایل اجتماعی و سیاسی می‌پرداخت و در ادامه راه بیشتر در زمینه تکنولوژی تخصصی شد. در میان زنان ایرانی شهرزاد عالم فاتحی و مرجان عالمی اولین وبلاگ نویسان زنان ایرانی بودند که در آبان ماه همان سال وبلاگ خود را راه اندازی نمودند.

در حال حاضر ایران با بیش از ۲ میلیون کاربر وبلاگ، در این فضا به فعالیت می پردازند که بیش از ۱۰۰ هزار وبلاگ به صورت روزانه به روز می شوند.

با توجه به گمنامی و شخصی بودن، وبلاگ ها این امکان را ایجاد نموده اند که در تقابل و رودرروی جریان مسلط رسانه های دیگر قرار بگیرند و با چالش کشیدن عملکرد و سیاست های حاکمان، فضای خبری دولت را تهدید یا تشویق نماید. وبلاگ ها خبرها را فیلتر نشده در معرض دید کاربران قرار می دهند و از هدایت جریان خبری و رسانه ای توسط حاکمان و دولت جلوگیری می کنند شاید به همین دلیل بعد از دو سال از تاسیس وبلاگ، در سال ۱۳۸۲ فیلترینگ اینترنت در دستور کار قرار گرفت.

راحتی کار با وبلاگ و عدم نیاز به دانش تخصصی در جامعه ایرانی، باعث شده وبلاگ نویسان فعالی در سطوح مختلف جامعه دیده شوند و همچنین با توجه به ارزانی، گمنامی و ... وبلاگ در ایران، گرایش روزافزون جوانان به سمت و سوی این پدیده را در دهه هشتادی زیاد کرده که در یک مقطع زمانی، زبان فارسی چهارمین زبان وبلاگ نویسی جهان شد.

از اثرات مفید وبلاگ های ایرانی اعتراض به جریان تحریف نام خلیج فارس توسط مجله نشنال جئوگرافیک بود که نتیجه اش تصحیح آن به خلیج فارس در مجله مذکور شد.

نمونه اثربخشی دیگر آن اهمیت تاثیرگذاری وبلاگ ها در انتخابات ریاست جمهوری ۸۴ است که بسیاری از کاندیداها اقدام به ساختن وبلاگ نمودند که این روند تا به اکنون نیز ادامه دارد.

طبعاً فضای وبلاگ برای اکثر کاربران جای امنی است تا افراد با بیان نظرات اجتماعی، سیاسی و دادن ایده و تعامل با همفکران خود احساس تعلق و سودمندی کنند. با توجه به اینکه در عصر مدرن، فردیت و فردگرایی در جامعه به اوج خود رسیده، جوانان بخشی از تنهایی خود را در این محیط با دوستان مجازی خود تقسیم می نمایند. نکته قابل ذکر در وبلاگ ها این است که در این فضا به دلیل عدم برخورد فیزیکی، افراد بسیار آزادانه تر رفتار و عمل می کنند.

البته آزادانه عمل کردن وبلاگ ها شرایطی برای گروه های ضد مذهبی ایجاد کرده که از این رسانه کم دردسر برای اشائه افکار شخصی خود استفاده نمایند و در نقطه مقابل جوانان مذهبی نیز خیلی زود به قابلیت های وبلاگ پی بردند و آن را ابزار سودمندی برای ارائه و گسترش عقاید خود یافتند که نمونه آن اقدام خبرگزاری قرآنی در سال ۸۴ بود که جشنواره قرآنی را راه اندازی نمود و نزدیک به ۲۰۰۰ وبلاگ با سه زبان (فارسی، عربی و انگلیسی) در این جشنواره حضور و شرکت کردند.

پی نوشت: تجربه چند سال اخیر نشان داده که وبلاگها در دل اینترنت قابلیت های فراوانی برای پر کردن اوقات فراغت جوانان ایرانی ایجاد کرده اند و توانسته اند جامعه پذیری و انسجام بین فرهنگی جوانان را تقویت نمایند. هرچند برخی جامعه شناسان به این نوع تفریحات مجازی خرده می گیرند ولی نباید فراموش کنیم در کشوری که اعتیاد یکی از معضلات اصلی جوانان است دل سپردن به امورات غیرواقعی فضای مجازی به مراتب کم خطرتر از تن دادن به واقعیت دنیای مجازی حاصل از مصرف مواد مخدر است و در نهایت فعالیت در این فضا باعث انسجام اجتماعی و نقش مثبتی در کارآفرینی در ابعاد مختلف بالاخص بعد بین المللی می شود.

وبلاگ اتاق روشن اندیشه ام www.abedinabedizadeh.blogfa.com

## مشکل کوچه های بهمنی

کوچه بهمن ۲۲ واقع در محله بهمنی یا پژوهش ۲۴ از بلوار شهید ماهینی ( دقیقاً ۲ کوچه بعداز شهرداری منطقه ۲)، کوچه ای که بنام ۲۲ بهمن سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی مزین است و اخیراً خوابگاه دانشجویی امین ۲ در آن افتتاح شده است ، دارای مشکلات و معضلات زیر می باشد:

۱– عدم آسفالت کوچه مورد اشاره (کوچه خاکی) و وجود نخاله های ساختمانی به حال خود رها شده توسط مالکین ساختمان های نوساز و در حال ساخت (این موضوع به صورت تلفنی به شهرداری منطقه ۲ و شهرداری مرکزی بوشهر اعلام شده لیکن نتیجه عملی در بر نداشته است) .

۲– نبود روشنایی معابر عمومی در کوچه مذکور (این موضوع به صورت تلفنی و حضوری به اداره برق و شهرداری منطقه ۲ اعلام شده لیکن نتیجه عملی در بر نداشته است) .

۳– عدم نظافت کوچه مذکور توسط مامورین پاکبان شهرداری همانند کوچه های همجوار بدلیل آسفالت نبودن و وجود نخاله های ساختمانی ناشی از ساختمان سازی که از کوچه تخلیه نشده اند (این موضوع به صورت تلفنی و حضوری به شهرداری منطقه ۲ و مدیریت پسماند شهرداری اعلام شده لیکن نتیجه عملی در بر نداشته است) .

با توجه به اسکان دانشجویان از اقصی نقاط کشور عزیزمان ایران در خوابگاه امین ۲ ، رسیدگی یا عدم رسیدگی به مسائل کوچه مذکور و موارد مشابه درکوچه های همجوار که مسیر تردد ایشان می باشد ، میزانی برای سنجش قابلیت عملکرد مدیریت شهری و شهرداری منطقه می باشد . (شهروند بوشهری)

## شاهین مستحق پیروزی و لایق برتری ست

**مجید اصلانی :** روز دوشنبه سوم آبان ماه شاهین بوشهر از هفته دوازدهم مسابقات لیگ برتر میزبان تیم استل آذین در استادیوم شهید بهشتی می باشد .

توپچی ها که استارت کار مرحله تدبیر وسپس جهش خود را از همدان و با کسب پیروزی با تیم پاس آغاز نموده اند ، می روند تا در جدالی دیگر مقابل استیل آذینی قرار گیرند که این روزها به علت مسایل حاشیه ای دو هفته اخیر شکست های پرگلی را تجربه و پذیرا گشته اند .

مردم و جوانان بوشهر به تیم شاهین امید بسته اند واز آغاز لیگ دهم به بازیکنان و کادر فنی اعتماد کرده وبارها وبارها شاهد بوده ایم که خیل تماشاگران وهواداران ارادت هواداری خودرا به این باشگاه وسایر باشگاه های فعال شهر به جای آورده اند و دیدن چهره های زیبا و خندان شان پس از کسب هر پیروزی برای جامعه رسانه ای و آحاد مردم از همه چیز خوشایند تر بود ه است .

توپچی ها ی سپید پوش شاهین درلیگ دهم این افتخار را پیدا کرده اند که در در شهر ودیار وباشگاهی توپ بزنند که مردمانش از جنس آب زلال خلیج فارس و آفتاب درخشان جنوب گرم وروشنی بخشند و این مردم پس از هر پیروزی با هلهله و شادی از سکو ها تا خیابان های شهر واز خیابان ها تا خانه ها ، زندگی را معنا می کنند و فردای دگر با گل لبخند سیمای شان را آذین می بندند .

پس توپچی های شاهین در لیگ دهم ، انتخاب خود را کرده اید وهر گونه عذر وبهونه ای نه درشان شماست ونه در شان این مردمانی ست که همگی به فوتبالی بزرگ فکرمی کنند وشعارشان فوتبال پاک وبدون حاشیه برای همه و همه برای فوتبال است .همگی لیاقت بزرگی را دارید و پایانی شاد منتظرتونه

بروید وبازی با استیل ببرید که واقعا دوست داشتنیه .

روز دوشنبه در استادیوم شهید بهشتی بازی ، بازی خودتونه وبروید تو زمین و خاطره ای دگربرای بندرنشینان رقم بزنید و رویاهای ستاره های کاغذی استیل رو ازشون بگیرین وهرکدام به نوعی ستاره تیم خودتون باشید.

گذشته را وانهید و خستگی را پشت سرنهید . سختی ها را تحمل کنید وبچسبید به آیند ه ی شاد ومفرح برا خودتون و مردمان بزرگ خلیج فارس . می خواهید بزرگی کنید می خواهید به چشم بیایید پس روی پای خودتون بایستید و اعتماد به نفس داشته باشید و شاهین را روی دوش تان بگذارید ودور افتخار بزنید .

روز دوشنبه بروید توی زمین با صلابت از چیزی نترسید وهرگاه تزلزلی به دل تان راه یافت یه یا علی خرجش کنین .

دوشنبه بازی بازی شماست

پیروزی وبزرگی گوارای شما ومردمان خوب بوشهر

روز دوشنبه روز شاهین ، روز بوشهر ، روز جسوری و جاه طلبی کادر فنی شاهین است و روز گل ... گل گفتن شاهین بهرام نژاد .

## مهاجرانی مهاجرانی میهمان ویژه تیم فوتبال رسانه ورزش

مهاجرانی مدیر فنی تیم فوتبال شاهین بوشهر و دیگر اعضای کادر فنی بنا به دعوت تیم فوتبال رسانه ورزش در تمرین این تیم حضور خواهد یافت .تمرین رسانه ورزش در زمین چمن مصنوعی اداره بندر برگزار شد . تیم فوتبال رسانه ورزش متشکل از خبرنگاران ورزشی استان بوشهر است که به همت حسن غریبی تشکیل شده و به انجام دیدارهای خیرخواهانه می پردازد .

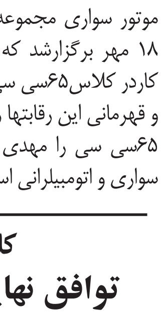
## نایب قهرمانی تیم تکواندو نو نهالان استان در کشور

تیم تکواندو نو نهالان استان که جهت شر کت در مسابقات قهرمانی کشوربه تهران عزیمت نموده بود در بین ۳۲ تیم شر کت کننده در این رقا بتها به مقام نایب قهرمانی کشور رسید.این رقا بتها در خانه تکواندو در تاریخ ۸۹/۷/۲۳ بر گزار شد.

## درخشش موتور سواراستان در مسابقات قهرمانی آسیا

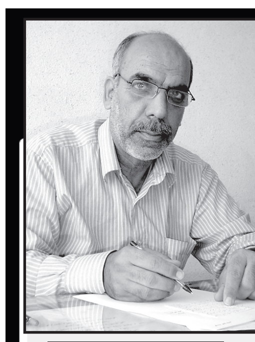
مسابقات موتورسواری قهرمانی آسیا با حضور۹ تیم:ایران ،ژاپن،تاجیکستان،اندونزی،مغلوستان،هند بحرین ، فلیپین و تایلند به میزبانی ایران درپیست موتور سواری مجموعه آزادی تهران از تاریخ ۱۵ الی ۱۸ مهر برگزارشد که ازاستان بوشهر محسن زراعت کاردر کلاس۶۵سی سی به همراه تیم ملی به مقام اول و قهرمانی این رقابتها رسید. مسئولیت برگزاری کلاس ۶۵سی سی را مهدی شمسی سرپرست هیات موتور سواری و اتومبیلرانی استان بوشهربرعهده داشت

## کللی فرد:
## توافق نهایی حاصل نشد



حمید کللی فرد سرمربی اسبق شاهین که موفق شد این تیم را لیگ برتری کند مورد توجه یزدی ها قرار گرفت. به گزارش فوتبال بوشهر – کللی فرد که با دعوت مسئولان باشگاه فولاد یزد راهی شهر بادگیرها شده بود و حتی تا پای عقد قرارداد هم پیش رفته بود در آخرین لحظات از حضور در تیم فولاد یزد منصرف شد.مربی محجوب بوشهری در گفتگوی کوتاهش با فوتبال بوشهر گفت: با دعوت مدیرعامل این باشگاه به یزد رفتم و حتی مذاکرات بسیار خوبی هم صورت گرفت اما پیشنهاد مالی آنها برای من کافی نبود و با وجود تمایل طرفین برای آغاز همکاری توافق نهایی حاصل نشد ! وی از مهمان نوازی یزدی ها تمجید کرد و افزود : در ابتدای فصل چندین پیشنهاد داشتم که بنا به دلایلی میسر نشد ، در حال حاضر منتظر می مانم تا ببینم تقدیرم در این فصل چیست ! هر چند کللی فرد یزد را به سمت بوشهر ترک کرده اما گویا یزدی ها باز هم اصرار به بازگشت او دارند و باید دید آینده این مربی بوشهری چگونه رقم خواهد خورد. فولاد یزد اولین سال حضور خود در لیگ دسته اول تجربه می کند و فصل را با مرحوم محسن آقازاده آغاز کرد اما با درگذشت آن مربی سازنده فولادی ها به دنبال جانشینی مناسب هستند.

## کمیته داوران فدراسیون، ناعادلانه با ما برخورد می کند



مجید مشایخ

کلاس توجیهی و تست بدنی داوران کشور هیئت قضاوت لیگ های مختلف کشور در شیراز برگزار شد و ۱۱ داور و کمک داور از استان بوشهر در این کلاس حضور داشتند که همگی با موفقیت از آزمون بعمل آمده سربلند بیرون آمدند، که جا دارد از همگی این عزیزان تشکر و قدردانی کنم. مسابقات لیگ استان در حال برگزاری است و وضعیت داوری ها خوشبختانه رضایت بخش بوده است. گله من از با تجربه هاست که مقداری ضعیف قضاوت کردند. ولی همه جوان ها خوب کار کردند. در مسابقات کشوری نیز عملکرد بچه های ما خوب و رضایت بخش بوده است. وقتی قضاوت داور بازی ایرانجوان و ملوان را با قضاوت داوران خود مقایسه می کنم به این واقعیت می رسیم که متاسفانه کمیته داوران فدراسیون چه قدر ناعادلانه با ما برخورد می کند و چرا از بچه های ما در لیگ برتر و لیگ دسته یک با همه آمادگی و تجربه، کم تر استفاده می کنند. داوری هایی که برای بوشهر شده از لحاظ فنی رضایت بخش نبوده است، البته داوری خوب صالحی در همدان نباید فراموش شود. امیدوارم فوتبال بوشهر با بازیکنان خوب بومی اش به جایگاه اصلی و واقعی خود برسد و شاهد درخشش جوانان عزیز بوشهری در سطح کشور باشیم.

### مصاحبه با رضا خدری بازیکن کارگر بنه گز:
## برای صعود بهانه ای نداریم
### چیزهایی در فوتبال می گذرد که ما بازیکنان از آن بی خبریم



– با توجه به این که اوائل فصل با تیم گاز جم توافق کردید، چه شد که با تیم گارگز بنه گز قرارداد امضا نمودی؟

– چه بگویم، با تماسی که یکی از مسئولان تیم جم با من گرفته شد به جم رفتم و با مسئولان تیم جم در مورد قرارداد صحبت کردیم و به نتیجه رسیدیم که با این تیم قرارداد نوشته شود و جزو اولین بازیکنانی بودم که به توافق رسیدم اما به دلایلی که هنوز برایم معلوم نشده این قرارداد به نتیجه نرسید. به نظرم یک چیزهایی دراین فوتبال می گذرد که ما بازیکنان از آن بی خبریم. آرزوی موفقیت برای تیم جم می کنم. بدلیل این که سال قبل در تیم کارگر از نظر فکری و روحی و فوتبالی در وضعیت خوبی بودم و پیشنهاد های دیگر را قبول نکردم و با تیم کارگر قرارداد بستم.

– چرا کارگر بنه گز نسبت به سال گذشته خوب نتیجه نمی گیرید و اشکال کارتان در کجاست؟

– تیم کارگر بنه گز امسال با کادر فنی خوب و بازیکنان خوب بسته شده و تازه اول بازی هاست و وقت برای صعود زیاد. به دلیل این که چند مورد خوب از این تیم رفته و بازیکنان جدید به این تیم آمده باید هماهنگ شوند و باید مسئولان به این تیم از نظر مادی کمک کنند تا مشکلات برطرف شود.

– آیا امسال مثل سال های پیش کارگر می تواند دسته سومی خود را حفظ کند؟

– چیزی که تمام تیم روی آن متمرکز شده فقط صعود به لیگ ۲ است و ما برای صعود بهانه ای نداریم. ما تیم خوب و با قدرتی هستیم و به همه نشان می دهیم که حرفی برای گفتن داریم.

– با توجه به اینکه شما هم در شاهین و ایرانجوان بازی کرده اید، عملکرد دو تیم را در لیگ برتر و لیک دسته اول، چگونه ارزیابی می کنید؟

– تیم شاهین تیم بسیار خوبی است به نظر من با سرمایه و امکاناتی که به وجود آوردند باید یک مربی خیلی با تجربه تر به این تیم می آمد. آقای استیلی بازیکن خوبی بود اما مربی با تجربه ای نیست. تیم ایرانجوان هم امسال با برنامه و بازیکنان که جزء تیم آورده باید تیم خوبی باشد و تازه اول راه است و مطمئنا در آینده حرف های زیادی برای گفتن دارد و در کل این دو تیم آبروی فوتبال بوشهر هستند و باید توجه خاصی به این دو تیم شود. برای هر دو تیم آرزوی موفقیت را دارم.

– به عقیده شما مسئولین فوتبال استان، چه کارهایی باید انجام دهند تا فوتبال بوشهر مثل دهه ۶۰، دست به دامن بازیکن غیربومی نشود؟

– به نظرم الان بازیکنان خوبی در رده های نوجوانان و جوانان داریم و باید روی این بازیکنان سرمایه گذاری شود. بازیکنان خوبی هم در اوج تجربه داریم که مورد بی مهری مسئولان فوتبال قرار گرفته اند. و باید کسانی که دلسوز این فوتبال هستند به سرکار بیایند. بازیکنان بوشهری چیزی از این بازیکنان سفارشی کم ندارند.

– تلاش مسئولین تیم کارگران را چگونه مشاهده کرده ای؟

– یک دست صدا ندارد باید به کمک کادر مدیریتی این تیم آمد، آنها هرچه داشته اند برای تیم دریغ نکرده اند و تمام امکانات یک تیم در سطح لیگ کشوری مهیا ساخته اند و جای تشکر دارد.

– نقش نسیم جنوب را در امر ورزش به خصوص فوتبال چگونه مشاهده کرده اید؟

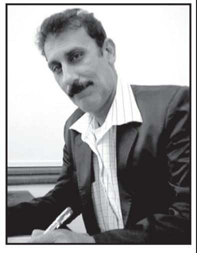
– هفته نامه نسیم جنوب از قدیمی ترین حامیان فوتبال بوشهر بوده و هست و انتقادات به جای این هفته نامه باعث پیشرفت فوتبال بوده است.

– حرف دل؟

– امیدوارم که در این فوتبال حق به حق دار برسد و به آن چیزی که باید باشیم برسیم. از وقتی که در اختیارم گذاشتید متشکرم. امیدوارم در کارتان موفق باشید.

## به فوتبال پایه بیشتر اهمیت بدهیم

**مجید اصلانی**



عبد الرضا عبدالله زاده از اعضای هیات موسس و مدیر تیم های پایه شاهین واز سرمایه های قابل اعتبار و قابل اعتنا فوتبال محسوب می گردد. جدای از زمان بازی کردن که در پست دروازه بانی از جمله دروازه بان های خوب فوتبال بوشهر وشاهین در عصر طلایی فوتبال جنوب قلمداد می گردد نزدیک به دو دهه چه در کسوت مدیریت عامل بزرگسالان وچه مدیر تیم های پایه فعالیت گسترده و هدف داری را آغاز نموده از زمانی که کلنگ ورزشگاه اختصاصی شاهین را در سال ۷۱ به زمین زد تا وضعیت فوتبال آکادمی و کارخانه استعداد سازی و استعداد یابی این شهر ودیار پیشرفت نماید و از لحاظ سیستم نیز فوتبال بوشهر دچار تحولات اساسی گردد تاکنون به طور خستگی ناپذیر وهدفمند با پشت کار وتلاش افرادی هم چون بابا چاهی، سیاوشی و پورشاکر وتعامل همه جانبه با مدیریت باشگاه ومشورت با اهالی رسانه امور را پیگیری وسامان بخشیده به طوری که در سال گذشته تیم های هشت گانه پایه ای شاهین را سازماندهی و حاصل تلاش وی وهمکاران شان در باشگاه ۷ قهرمانی استان وراه یابی به لیگ سراسری کشور بوده است . کارنامه موفقیت آمیز سال قبل و امسال تیم های مدرسه ای شاهین چه استانی وچه فرا استانی گواه بر این تلاش جمعی وتوکل بوده است. وی با مشاوره گرفتن از پیش کسوتان و استفاده از نیروهای جوان وآینده دار در کادر فنی وایجاد اتاق فکر برای بالارفتن کیفیت بازیکنان شهرش برنامه هایی تدارک دیده و عقیده دارند پیشرفت مدارس وآکادمی فوتبال می تواند موجب اقتدار و بزرگی تیم شاهین در ویترین لیگ برتر فوتبال ایران گردد. او معتقد است جوانان شهر ما در این مکان رشد می کنند و به مراحل عالی باشگاه و ورود به فوتبال بزرگ سالان می نمایند تا آن جا که هرکدام می توانند مدعی و شایستگی پوشیدن پیراهن پرافتخار ملی گردند و هم چنین در عرصه اجتماع به مدارج بالای علمی دست یابند .

مدیر تیم های پایه ای و مدرسه شاهین به اتفاق همکارانش بنا به پشتوانه مردمی به صورت جدی پیگیر مسایل و رفع موانع پیش رو در صددند به نوعی چون فوتبال ذهن – گوش وچشم است وبا علم درهم آمیخته مسولین و نمایندگان استان را متقاعد تا نسبت به ایجاد وراه اندازی دانشکده فوتبال برای نسل فردایی های بوشهر اقدام وهمکاری نمایند . فوتبال بوشهر شایسته بهترین هاست .



### سیدعادل میری سرمربی نوجوانان شاهین:
## در شاهین باید هدف های بزرگی داشته باشید



• آقای میری لطفا کمی از خودتان و شیوه کاری تان برایمان بگویید.

– من در طول پنج سالی که با شاگردانم در شاهین کار کردم، هیچ وقت به آنها کوچکترین دروغی نگفتم، همیشه با آنها صادق بودم، اگر بازیکنان تان متوجه شوند که دارید به آنها دروغ می گویید به سرعت قید برنامه ها و تیمتان را می زنند. اما اگر واقعا با آنها رو راست باشید، به تاکتیک و سیستم فکر نکنید، آنها خودشان را برای شما تکه تکه خواهند کرد.

• از زمان انتخاب شما به عنوان سرمربی نوجوانان شاهین، مرتب از موفقیت تیمتان سخن می گویند.

– من به پیشرفت بازیکنانم خیلی اهمیت می دهم. هدف من و کادر فنی این است که هر بازیکن هر روز جلوتر از قبل باشد و بهتر و کامل تر کار کند. روی روحیه بازیکنان کار می کنم و دوست دارم بازیکنانم از تمرین و بازی لذت ببرند و فضای تیم برای آنها ایده آل باشد. بازیکن باید راحت با مربیانش صحبت کند و مشکلات خود را مطرح کند، تا پیوسته در خدمت تیم و باشگاه باشد.

• دوست داریم بدانیم این فصل کار شما از کجا شروع شد؟ برای جمع آوری و انتخاب این تیم از چه مزرهایی عبور کردید؟

– خوب این موضوعی است که نیاز به یک توضیح تفصیلی دارد. زمانی که در یکی از جلسات تیم های پایه حضور داشتم، به من اعلام شد بازی های نوجوانان لیگ استان دو هفته دیگر شروع می شود. کاملا شوکه شدم، من و همکارانم آقای خواجه و هنرمند در شرایط کاملا بحرانی قرار داشتیم و مدیریت تیم های پایه جناب آقای عبدالرضا عبدالله زاده و همین طور مدیر فنی تیم های پایه جناب آقای حیدر عبدالله زاده از ما خواستند تا تمام تلاش خود را برای حفظ تیم در لیگ استان انجام دهیم.

• لطفا بیشتر توضیح می دهید؟

– با توجه به دستورالعمل جدید فدراسیون مبنی بر تقلیل سن بازیکنان، ما در مسابقات نوجوانان لیگ استان بایستی تیم دیگری می ساختیم و روانه بازی ها می کردیم. ما فقط دو هفته فرصت داشتیم و تنها ۲ بازیکن از سال گذشته که سنشان می خورد در اختیارمان بود و با این زمان کمی که داشتیم، نمی شد بازیکنان خوبی را جذب کنیم، مگر ساختمان است که با پول آن را درست کنیم یا بلوک سیمانی است که با مقداری سیمان آن را قالب بزنیم؟ تیم بازیکن خوب می خواهد، بازیکنی که میدان دیده باشد و در لیگ استانی شرکت کرده باشد؛ اما نکته خیلی مهم اینجاست که ما با توجه به تمامی مشکلات در حال حاضر با تلاش و همت بازیکنان با بدشانسی دوم جدول هستیم.

• در بازی های کشوری چه اهدافی را دنبال می کنید؟

– شما مطمئن باشید شاهین در این رقابت ها استیل بازی خود را به حریفانش تحمیل می کند، این یکی از اولین هدف های ما به حساب می آید و روی آن کار می کنیم و با توجه به توانایی کادر فنی که سال گذشته به اثبات رسید، در این زمینه موفق خواهیم بود. در شاهین باید هدف های بزرگی داشته باشید. اینجا با یک کارنامه متوسط نمره قبولی نمی دهند.

• به عنوان سوال پایانی نظرتان در مورد مدیرعامل باشگاه کنگانی و همین طور حاج عبدالرضا عبدالله زاده که به عنوان مدیریت تیم ها فعالیت می کنند چیست؟

– این بزرگواران جزو مدیران برجسته و همین طور از سرمایه های با ارزش استان هستند و کارنامه خیلی درخشانی دارند و همه از آنها راضی هستند و با وجود این دو عزیز شاهد پیشرفت روز به روز تیم های پایه هستیم و هیچ گونه نگرانی در این مورد وجود ندارد.

## اسکیت، ورزشی لذت بخش در بوشهر

**سالار باغبان نژاد**

در ذهن اغلب مردم، ورزش اسکیت جزء یکی از ورزش های پرخطر و پرحادثه به شمار می رود و به همین دلیل بسیاری از افراد از روی آوردن به این ورزش مفرح امتناع می ورزند، حال آنکه این تصور کاملا اشتباه است.

بسیاری از اسکیت بازان حرفه ای که تا کنون چندین سال است که در این ورزش مشغول به فعالیت می باشند تا کنون هیچ صدمه و آسیب جدی ندیده اند و همین امر بی خطر بودن این ورزش را اثبات می کند.

علاقه مندان به ورزش اسکیت هرگز نباید از ترس زمین خوردن و آسیب دیدن، از روی آوردن به این ورزش صرف نظر کنند چرا که به راحتی می توانند با رعایت نکات ایمنی از قبیل: پوشیدن کلاه، مچ بند، زانوبند و... خود را از هرگونه آسیبی مصون بدارند.

نکته مهم دیگری که در رابطه با ورزش اسکیت قابل ذکر است کم هزینه بودن این ورزش است، چراکه به واقع هیچ گونه هزینه ی گزافی جهت یادگیری این ورزش نباید پرداخت.

از سوی دیگر علاوه برآن اسکیت از جمله ورزش هایی است که محدودیت سنی ندارد و از خردسالان تا بزرگسالان قادر به حضور در این ورزش می باشند.

یکی از مکان های استاندارد جهت ورزش اسکیت در شهر بوشهر در پارک شغاب واقع شده است که به آموزش کودکان و نوجوانان و بزرگسالان نیز می پردازد و خانواده های بوشهری می توانند از آنجا استفاده نمایند و اوقات فراغت خوبی را برای خود و فرزندانشان رقم زنند.

## مربیان، الگوی نوجوانان

**ترجمه: زیبا راستیان**



برای اینکه «ورزشکار خوب بودن» را به نوجوانان آموزش دهیم کار بسیار سختی در پیش رو داریم. بخصوص این که آنها مرتبا در تلویزیون و مطبوعات، فیلم ها و تصاویر بازیکنان و ورزشکاران حرفه ای را می بینند که به تخریب و فحاشی به رقیبان می پردازند. ورزشکار خوب بودن یکی از مهم ترین و سالم ترین اهدافی است که می توانید به بازیکنان جوان القا کنید. اینجا چند روش را که می تواند در پرورش چنین ورزشکارانی به شما کمک کند آورده شده است، به طوری که تیم شما یکی از قابل احترام ترین تیم های لیگ باشد:

۱. اهمیت اخلاق ورزشی را مرتبا به بازیکنان گوشزد کنید. در مدتی که بچه ها مشغول گرم کردن خود برای تمرین یا مسابقه هستند، می توانید از یک صحبت در مورد یک بازی در تلویزیون که بچه ها دیده اند شروع کنید. با آنها بحث کنید و بپرسید که آیا در آن بازی ورزشکاری را دیده اید که خصوصیات اخلاقی بالایی داشته یا نه. تقویت زیرکانه حسن خوب بودن در دراز مدت اثرات خود را بر بازیکنان شما می گذارد.

۲. قبل از هر مسابقه به سوی مربی تیم رقیب رفته و با او دست بدهید. بازیکنان، هواداران و مربیان تیم مقابل به این حرکت شما توجه خواهند کرد.

۳. در تمام مدت، خود یک الگوی ورزشکاری خوب باشید. یعنی فریاد کشیدن بر سر مقامات یا زیر سوال بردن آنها باعث می شود تیم شما دیگر از شما حرف شنوی نداشته باشد و درواقع از دست شما خارج خواهد شد. اگر شما همیشه الگوی مناسبی نباشید از بازیکنان خود نیز انتظار نداشته باشید که ورزشکاران خوبی باشند. بازیکنان از شما سرمشق می گیرند. پس اگر شما به مسئولان بدوبیراه بگویید، نباید از بازیکنان خود توقع احترام به مسئولان را داشته باشید.

۴. حین صحبت های پس از بازی فراموش نکنید که از بازیکنان با اخلاق نام ببرید. مثلا شاید یکی از بازیکنان شما به بازیکن حریف که گلی به ثمر رسانده یا کار زیبایی کرده، تبریک گفته باشد، این کار شما باعث می شود که بازیکنان تان کم کم یاد بگیرند که حرکات اخلاقی شان درون زمین مهم است.

۵. بر دست دادن پس از بازی اصرار داشته باشید. بدون توجه به نتیجه بازی، بازیکنان خود را به صف کنید تا با مربی و بازیکنان تیم مقابل دست بدهند. اگر بازی را برده اید بازیکنان شما باید به تیم حریف اعلام کنند که آنها هم خوب بازی کرده اند و اگر بازنده بازی شما باشید باید بچه های شما به تیم حریف تبریک بگویند. حرکت خوب دیگر این است که پس از مسابقه بچه های شما با تیم داوری دست بدهند.

منبع: National Alliance For Youth Sports

## ایرنجوان با یک بازی زیبا، خداحافظی تلخی کرد

### ایرانجوان بوشهر ۲– ملوان بندرانزلی۳

گلها: علی ذلکی دقیقه،۸ مصطفی نجمی زاده دقیقه ۵۷ برای ایرانجوان بوشهر، پژمان نوری دقیقه ،۵۷ محمد نزهتی دقیقه ،۷۵ مهرداد اولادی دقیقه ۱۰۰ برای ملوان بندرانزلی، داور:جمشید حمیدی، کمکها: بهروز برون، سجاد طوری، اخطار:حمید محمدی، مصطفی نجمی زاده(ایرانجوان بوشهر)، بابک پورغلامی(ملوان بندرانزلی)، ورزشگاه:شهید بهشتی بوشهر، تماشاگر۳: هزارنفر

ایرانجوان بوشهر

رضا محمدی، میثم امیری، سکوفوفانا ازدقیقه ۷۸ محسن نیکخواه، حمید محمدی، علیرضا رحیمی ازدقیقه ۶۹ مجید کاویانپور، مصطفی نجمی زاده از دقیقه ۸۲ اسماعیل خزاعی، مهدی سیفی، اوباجی ساندی، علیرضا ذلکی، محسن قاعدپوری، تونیکه سی

سرمربی: اصغر شرفی



ایرانجوان بوشهر با هدایت اصغر شرفی بازی برابری مقابل ملوان انجام داد و حتی گاهی اوقات بهتر از حریف لیگ برتری خود ظاهر شد. هر ۲ تیم بازی فیزیکی و درگیرانه ای انجام دادند و موقعیت های خوبی هم داشتند و اگر شاگردان شرفی دقت و تجربه بیشتری داشتند، می توانستند پیروز این بازی باشند. ملوان بیشتر چشم به ضد حمله و ضربات ایستگاهی داشت و روی اشتباهات مدافعان میزبان به گل رسید. هر چند بازی در ۹۰ دقیقه با تساوی ۲ بر ۲ به پایان رسید اما مهرداد اولادی در دقیقه ۱۰۰ گل برتری تیمش را به ثمر رساند و ملوان به مرحله بعد صعود کرد.

در حاشیه بازی

حشمت مهاجرانی مدیرفنی استیل آذین تماشاگر ویژه این بازی بود و جالب اینکه کار شاگردان اصغر شرفی راتحسین کرد.

هفته نامه سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی ، ورزشی

# نسیم جنوب

- صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
- مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
- مدیر گرافیک : موسی ولی زاده
- نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه جانبازان
- دفتر هفته نامه نسیم جنوب
- تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰ فاکس و پیامگیر: ۲۵۲۸۱۵۱
- ایمیل: info@nasimjonoub.com صندوق پستی: ۱۱۹۹
- لیتو گرافی وچاپ : کارگر






## پشت دروازه فوتبال

### شاهین، شیث را نمی خواهد



پس از دربی استقلال و پرسپولیس، از سوی علی دائی، شیث رضایی مدافع پرسپولیس از این تیم اخراج شد، و شایعه آمدن این بازیکن یاغی به شاهین داغ گردید.
اما محمدی مسئول روابط عمومی شاهین به خبرنگار ما گفت: مادر این پست نیاز به بازیکن نداریم و شیث را نمی خواهیم.

### آمدن عمادرضا به شاهین جور نشد



آمدن عمادرضا مهاجم عراقی به شاهین بوشهر بسیار نزدیک شده بود اما به دلیل مسائل مالی تیم شاهین، این بازیکن و مسئولین شاهین به توافق نهایی نرسید. گویا عمادرضا ۲۵۰ میلیون تومان فقط به خاطر رضایت نامه اش درخواست کرده بود. خدا به داد قراردادش برسد.

### زارع، شاهین را دوست دارم



شایعه شده بود که ستار زارع کاپیتان شاهین بوشهر به دلیل عدم دریافت پولی از شاهین، از مسئولین این تیم گله مند است. اما این بازیکن با قدرت و نشاط بیش از قبل در تمرینات حاضر شد و اظهار داشت من شاهین را دوست دارم. مسأله پول حل خواهد شد.

### گرانی بلیط ایرانجوانی ها را ناراحت کرد



روز بازی ایرنجوان و ملوان انزلی که از سری مسابقات جام حذفی کشور انجام شد، تعداد زیادی از هواداران ایرانجوان که اکثریت جوان بودند به دلیل گرانی بلیط ورود به ورزشگاه، قید تماشای بازی را از نزدیک زدند و از گیرنده های خانه خود، بازی را تماشا کردند. قابل توجه مسئولین فدراسیون باشگاه ایرانجوان و ...

### درگذشت یک فوتبالیست جوان بوشهری

هفته گذشته یکی از فوتبالیست های جوان، با اخلاق و آینده دار بوشهر دار فانی را وداع گفت. عبدالرحیم غریبی بازیکن اسبق تیم های ایرانجوان و استقلال و بازیکن کنونی بوشهر در یک سانحه تصادف جان را به جان آفرین تسلیم کرد. نسیم جنوب این ضایع را به خانواده ایشان و جامعه ورزشی تسلیت عرض می نماید.

### شاهین جریمه شد



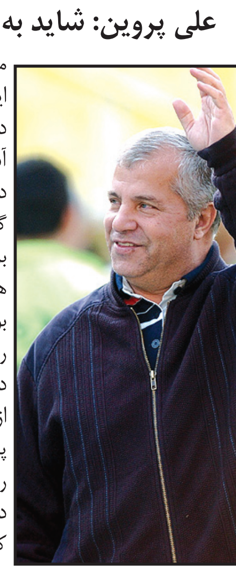
فدراسیون فوتبال ایران به دلیل تاخیر در شروع بازی از سوی تیم شاهین با تیم راه آهن تهران، دو تیم شاهین و راه آهن را به ترتیب، دو و چهار میلیون ریال جریمه کرد.

### زالی، جاشو را لیگ برتری می کنیم



مهندس زالی مربی تیم فوتبال ساحلی تیم جاشو بوشهر که در مسابقات استانی به مقام قهرمانی دست یافت، به خبرنگار ما گفت: قصد داریم آن قدر تلاش کنیم که تیم را به لیگ برتر فوتبال ساحلی برسانیم.

### علی پروین: شاید به بوشهر بیایم



مرد اسطوره ای فوتبال ایران از احتمال حضورش در بازی شاهین واستیل آذین خبرداد. علی پروین در گفتگو با کارت قرمز گفت: حشمت خان بزرگ همه ماست ومن همیشه شاگرد ایشان بوده وهستم وشاهین را هم تیم خودمان می دانم زیرا حمید و سعید از بچه های خوب پرسپولیس هستند که روزهای خوبی را با انها داشته ام.استیل آذین هم که همه می دانند با خود ما شکل گرفت وحاج حسین(هدایتی)بچه محل ماست که رفاقتمان ربطی به این سالها وفوتبال ندارد.
وی ادامه داد: سعید ترابی مصر است که دوشنبه به بوشهر برویم اما قدری گرفتاری دارم که اگر حل شد حتما همراه او جعفرخان کاشانی به آنجا می رویم.
سلطان سرخ ها که درشمال کشور به سرمی بردردباره انحلال استیل آذین افزود: خبرهای روزهای اخیر را باور نکنید. هدایتی الحمدالله آنقدر پول دارد که حالا حالاها استیل آذین سرپا بماند. او با لحنی خودمانی تصریح کرد:امیدوارم دوشنبه بازی زیبایی را ببینیم. افشین واحمدرضا ورضا شاهرودی وحمید وسعید جون میده برای یک بازی تمام پرسپولیسی به یاد روزهای خوب گذشته.

---



حشمت مهاجرانی مدیرفنی تیم شاهین:

## دعا کنیم مشکلات شاهین حل شود، بعد به فکر آکادمی باشیم

– وضعیت این روزهای شاهین چگونه است؟
– الحمدلله داریم روزهای خوبی را سپری می کنیم، قبل از بازی با تیم استیل آذین یعنی برابر تیم های ذوب آهن و پاس، که چهار امتیاز گرفتیم، مستحق شش امتیاز بودیم. جدا از نتیجه از لحاظ روحی و روانی برای ما خیلی خوب بود.
– یعنی شرایط بازیکنان شما از قبل بهتر شده؟
– بله. با بازیکنان هم که صحبت کردیم که چرا مقابل پاس در بیست دقیقه آخر با شروع مسابقه عملکردشان فرق کرد، اظهار داشتند که تحت فشار نتیجه بودیم و دلمان می خواست نتیجه را حفظ کنیم.
– این تحت فشار بودن روی کل اکیپ شما اثرگذار نخواهد بود؟
– چرا، این تحت فشار بودن رو بازیکن و روی کادر فنی تاثیر دارد، چندین بازی کردیم که مستحق پیروزی بودیم که متاسفانه نتیجه دلخواه بدست نیامد و من امیدوارم، چون تیم روبه رشد حرکت می کند.
– به نظر شما تیم شاهین به هماهنگی لازم رسیده است؟
– بله شما نگاه کنید، ما در درون دروازه تغییرات داشتیم و در دفاع آقای لک چیرا فیکس بود ولی حالا به عنوان ذخیره از او استفاده می کنیم. به این نتیجه رسیدیم که چه بازیکن در چه پست تخصصی بازی کند و حالا اگر مغلوب بشویم مغلوب برتری فوتبال هستیم.
– گل زنی در مقابل پاس با هنر مدافعان شاهین صورت گرفت، این اتفاقی بود یا روی این مساله کار کرده بودید؟
– ما روی ضربات ایستگاهی خیلی کار کرده بودیم، و در بازی با پاس نتیجه داد.
– قبل از بازی با پاس که در نیمه اول به گل رسیدیم، ۴۵۰ دقیقه یعنی ۱۰ بازی در نیمه های اول به گل نمی رسیدیم در این خصوص چه نظری دارید؟
– ببینید یک مقدار عدم شانس و عدم دقت فورواردمان در ضربات آخر، اتفاقا در بازی با پاس همدان هم بدشانسی داشتیم. باید در نیمه اول گل بیشتری می زدیم. در تیم شاهین متکی به تک بازیکن نیستیم، متکی به کار تیمی هستیم.
– میزان دوندگی تیم شاهین چه قدر است؟
– من فکر می کنم بالای شش کیلومتر می دوند.
– سال قبل گفته می شد که تیم شاهین در هر بازی ۱۰ کیلومتر دوندگی دارد. شما کی به این درجه خواهید رسید؟
– ۱۰ کیلومتر که تیم های اروپایی می دوند. من فکر می کنم آنالیزی که شده باشد در این شرایط آب و هوایی بوشهر فکر نمی کنم شاهین در آن زمان بیشتر از شش الی هفت کیلومتر دویده باشد. البته صحبت شما درست، من از کادر فنی می خواهم این مساله را بررسی کنند که تیم در حال حاضر چه قدر دوندگی دارد.
– شعار راه اندازی آکادمی تیم شاهین از سوی شما به کجا انجامید؟
– همین فردا به من بودجه اش را بدهند، از پس فردا شروع می کنم، مشکل بودجه داریم. من حداقل ۸ الی ۱۰ مربی می خواهم که این را راه بیندازم وقتی پول ندارم چکار کنم. البته دعا کنیم مشکلات شاهین حل بشود بعد به فکر آکادمی باشیم.

---



## کارزار شاهین با استقلال در جام حذفی

**علیرضا محمدی**

با انصراف پیام خراسان و پیروزی استقلال برابر پاس همدان در جام حذفی، شاهین مقابل استقلال تهران قرار می گیرد. همان طور که می دانیم همواره رقابت های جام حذفی، آبستن شگفتی ها و اتفاقات جالب فوتبالی است که این امر جذابیت و حساسیت خاص به این رقابت ها را نشان می دهد. اما رویارویی شاهین بوشهر در مقابل استقلال تهران در جام حذفی نکاتی جالب پیرامون خود دارد که به اختصار به آن می پردازیم:
۱. نوع نگاه به جام حذفی، فوتبال زیبا یا نتیجه گرا؟
۲. درخشش شاهین در جام حذفی سنوات گذشته.
۳. رویارویی مظلومی– استیلی...
۱) جمع کثیری از فوتبال دوستان بدلیل رسیدن اینترمیلان به فینال لیگ قهرمانان اروپا برای اولین بار نام کاتاناچیو یا دفاع زنجیره ای را شنیدند، ولی شاید کسی که تنها یک فصل است فوتبال اروپا را دنبال می کند و بارها و بارها نام تله سانتانا (فوتبال هجومی تماشاگرپسند) یا تیکی ناکا را شنیده باشید– یک مسابقه فوتبال برای کسب نتیجه برگزار می گردد بنابراین تمام مربیان نتیجه گرا هستند!!! هم گواردیولا نتیجه گراست هم خوزه مورینیو!!! با این تفاوت که گواردیولا در بارسلون برای نیل به نتیجه از تلفیق داشته های خود با سبک مورد علاقه اش استفاده می کند–که طرفداران بیشتری دارد– ولی مورینیو با توجه به ابزار و تفکراتش از سبکی استفاده می کند که عوام به آن علاقه مندنیستند...



در جام حذفی تنها نتیجه پایان بازی تیم را به مرحله بعد می رساند و این خود گویای همه مسائل است...
۲) ملوان انزلی، صبا باتری، استقلال تهران و ... از مغلوبین شاهین در سال های گذشته جام حذفی بوده اند. خصوصا شکست استقلال در بوشهر در زمان حضور امیر قلعه نویی به عنوان سرمربی آبی پوشان، از روزهای فراموش نشدنی و خاطره انگیز برای فوتبال دوستان بوشهری است..
۳) پرویز مظلومی استقلال پس از برد شیرین در داربی ۶۹ حالا در مقابل حمید استیلی پرسپولیس قرار دارد که سرمربی شاهین بوشهر نیز هست. و این امر هواداران را بیش از هرچیز در انتظار تقابل این دو تیم و تفکرات مربیان تیم ها می نشاند. به امید موفقیت شاهین...

---



علیرضا مرزبان مربی تیم شاهین:

## تنها ۲۰ درصد افرادی که به استادیوم می آیند، هواداران واقعی شاهین هستند و مابقی تماشاچی

– سلام جناب مرزبان. بهت بگوییم علیرضا مارکوپولو یا علیرضا مرزبان؟
– علیرضا مرزبان بهتره.
– از بازی تیم ملی منته نگرو با انگلیس بگو که یک امتیاز حساس را در لندن کسب کردید؟
– در واقع بازی باید سه هیچ یا دو هیچ به سود انگلیس تمام می شد ولی ما هم یک شانس بزرگی داشتیم که دقایق آخر بازی توپ یار ما به دیرک دروازه حریف خورد.
– چرا در تیم شاهین چیزی به اسم شانس حضورش کم رنگ است؟
– من گفته ام اگر در منته نگرو مساله کاری است، تیم شاهین مساله احساسی، مساله قلبی و مساله وجدانی است. موضوع عدم شانس هم حل خواهد شد.
– در حال حاضر ایرادات تیم شاهین در کجاست؟
– ما ایراد فنی نداریم چون قابلیت این را داریم با تمام تیم های ایران مبارزه کنیم. همه تیم های خوب ایران را زیر فشار گذاشتیم، دنبال این هستیم فوتبال زیبا را برای مردم بوشهر به اجرا در بیاوریم البته با پیروزی.
– چرا تا قبل از هفته دهم تیم یک هارمونی خوب نداشت و باید قبول کرد که در کسب امتیاز هم موفق نبود؟
– این که به نتیجه نمی رسیدیم برای ما نقش تعیین کننده داشت، که آیا ما به هدف اصلی خودمان یعنی قدرت رسیدن به دروازه حریف داریم یا نداریم، وقتی مشاهده می کنیم سر هر بازی ما شش الی هفت شانس بزرگ گل داریم، این امیدواری را به ما می دهد که بازیکنان از امروز به بعد با توجه به نتایجی که کسب شده می توانند به طرف جلو بیایند.
– خوب این جا یک سوال پیش می آید که سه فاکتور می توانیم در نظر بگیریم که شما موفق نبوده اید، یا عدم گلزنی یا عدم دقت لازم مهاجمان، یا عدم شناخت شما نسبت به بازیکنان. شما این مساله را چگونه ارزیابی می کنید؟
– این مساله ای که شما گفتید وقتی بازیکنانی که به ما اضافه شدند، به مقدار زیادی از آنها مشکل بدنی داشتند. یعنی حالا ما می توانیم بگوئیم بازیکنان از لحاظ روانی و جسمی ثبات دارند. مثلا مهاجمان ما در دو قدمی به شکم حریف می زنند ولی حالا شرایط بهتر شده. از بچه ها رضایت کامل داریم.
– آیا بچه ها از شما رضایت کامل دارند. یعنی جابجایی هایی که در تیم شد تا ترکیب اصلی بدست آید، بچه ها را اذیت نمی کرد؟
– جابجایی شرایط خاص خودش را دارد. ما تغییراتی هم که در تیم می دادیم بخاطر نیازهای فنی بود. ما در این رابطه به احساس بازیکنان نگاه نمی کنیم، ما به نیازهای تیم نگاه می کنیم. تیم برای ما مهمتر است. فلسفه فوتبال ما این است که تیم بهتر را به زمین بفرستیم.
– روزهای اول که به بوشهر آمدید بحث آکادمی فوتبال شاهین گرم بود ولی حالا خبری از آن نیست؟
– چون حشمت خان دستش را روی این مساله گذاشتند، هر موقع حشمت خان اعلام کند ما همکاری خواهیم کرد. من هنوز هم اعلام می کنم با تمام وجود در خدمت هستیم.
– شما که یا در تیم شاهین مشغولید یا در تیم ملی منته نگرو آیا وقت همکاری با آکادمی فوتبال خواهید داشت؟
– در واقع قولی که به بچه های منته نگرو داده بودم که من به آنها کمک می کنم و از حالا تا تابستان سال آینده جام ملت های اروپا تعطیل است.
– گپ پایانی؟
– من می خواهم بگویم که وقتی وارد بوشهر شدم، استادیوم و مردم را دیدم احساس کردم این ها هواداران ما هستند و حالا باید اعتراف کنم که ۲۰ درصد از افرادی که به استادیوم می آیند، هواداران واقعی ما هستند و مابقی تماشاچی، تماشاچی هایی که با یک حرکت خوب ما را تشویق می کنند و با یک حرکت به ما هو می کنند. من انتظارم این است که وقتی می گوییم هوادار، هوادار هم باید خودش را عضو باشگاه بداند. یعنی در شرایط بحرانی ما باید به هم کمک کنیم، انتظار دارم کسانی که به استادیوم می آیند عضو خانواده شاهین باشند. یعنی با بحران ها درست برخورد کنند. مثلا وقتی بازیکن ما در سه موقعیت گل را خراب می کند، با هو زدن، او درست نمی شود.

---

## قهرمانی ، گلاته جاشو بوشهر در لیگ فوتبال ساحلی استان



**مسابقات فوتبال ساحلی استان با حضور چهار تیم جاشو بوشهر– شاهین گناوه– فجر کنگان و پرسپولیس اهرم در زمین ساحلی بوشهر انجام شد که تیم جاشو با قدرت به مقام اول استان نائل کرد و مزد زحمات خود را گرفت و به مسابقات کشوری صعود نمود. در این قهرمانی تلاش شبانه روزی مهندس زالی مربی تیم و اکیپ تیم جاشو دیدنی بود.**
**اسامی بازیکنان تیم جاشو: امین قاسمی– اسماعیل خشتی– مجتبی بسطام– هادی ماهینی– هوشنگ باغبانی تنها– مجید صادقی– مهدی قاسمی– محسن عالی حسینی– حسین حسن ابراهیمی– علیرضا بلال زاده– مصطفی قائدی– سرمربی: حسن زالی– سرپرست: فرزاد هاشمی.**

---




## روی خط شاهین

### ۱ شاهین تمام کننده ندارد



اسماعیل نبات خور سنگی پیشکسوت شاهین: باور کنید من بازی های شاهین را تا ۹۰ دقیقه نمی توانم نگاه کنم چون واقعا روی این تیم تعصب دارم. اما بازی با پاس همدان که با پیروزی تیم بوشهر تمام شد روحیه من و همه هم استانی ها بالا رفت. این برد برای ما خیلی خوب بود، چون شاهین شرایط خوبی در جدول نداشت. تیم شاهین خوب بازی می کند ولی یک تمام کننده ندارد. در پایان صحبتی دارم با عبدالله کرمی، این بازیکن با تعصب که تمام قدرتش را برای شاهین و بوشهر گذاشته، امیدوارم عبداله با دقت بیشتر و آرامش بهتر عصای دست بازیکنان باشد. به نظر من عبدالله کرمی در آینده در تیم ملی خواهد بود.

### ۲ استیلی باید بداند که در چه تیمی فعالیت می کند



سید پرویز موسوی پیشکسوت شاهین: اگر شاهین بوشهر همه بازی هایش را مثل بازی با پاس همدان محکم و انتحاری بازی کند، حتما در بهترین جای جدول قرار خواهد گرفت. امید است کادر فنی که در راس آن آقای استیلی قرار دارد و توان ایشان برای همه روشن است، تمام تلاش خودش را بکار ببرد تا شاهین موفق شود. استیلی باید بداند که در چه تیمی فعالیت می کند. شاهین یکی از پرطرفدارترین تیم های ایران بوده و از مکتب دکتر اکرامی و پرویز دهداری استفاده می کند. البته موفقیت شاهین بستگی به تلاش بازیکنان و مربیان حمایت مسئولین، تماشاچیان و رسانه های بوشهر دارد که انشالله این عوامل دست به دست هم خواهد داد تا شاهین به اوج فوتبال نائل گردد.

### ۳ کاری نکنند که همه مان پشیمان شویم



محمد ایروانچی بازیکن اسبق شاهین: اگر شاهین به شکل و ترکیب بازی با پاس همدان به مصاف حریفان رود، همه تیم ها را از پیش رو برخواهد داشت. استیلی هم می بایست در این میان رفاقت را بین بازیکنان بیشتر کند تا تیم شاهین متحدتر شود. در بین بازیکنان شاهین محسن ایران نژاد یکی از مهره های موثر در این تیم به شمار می رود. امید است این فوتبالیست به همین روال کارش ادامه دهد، چون این بازیکن توانایی بالایی دارد و اگر مشکل پیش نیاید او را در تیم ملی خواهیم دید. از مسئولین استانی هم خواهش می کنم تا اول راه است شاهین را حمایت کنند. حمایت خود را نگذارند به روز آخر که کار از کار گذشته باشد، آن وقت همه مان پشیمان خواهیم شد.

### ۴ هنوز شاهین به ترکیب اصلی دست نیافته



فرهاد یزاف هوادار شاهین : با این که پیروزی در شهر همدان روحیه بخش بود و سه امتیاز حساس از پاس گرفتیم، اما چیزی که مردم را رنج می دهد هنوز تیم شاهین به ترکیب اصلی دست نیافته است. یعنی یک بازیکن روزی در ارنج اصلی است و تا دو هفته دیگر بازی به او نمی رسد. این مساله باعث می شود که بازیکن انگیزه اش را از دست بدهد. امید است استیلی بیشتر به فکر هماهنگی تیم باشد تا مسائل پیش پا افتاده تیم را بازگوی نماید. از مسئولین استان می خواهم چتر حمایتی خود را از شاهین دور نگه ندارند. با صعود شاهین به لیگ برتر، وضعیت اقتصادی بوشهر بهتر از اول شده است.

### ۵ استیلی زمان هماهنگی شاهین را از دست ندهد



پریسا تفضلی مربی فوتبال بانوان: تیم شاهین با پیروزی که بر تیم پاس همدان آن هم خارج از خانه بدست آورد، روحیه شان بسیار بالا رفت. و مردم بوشهر هم از این بابت خرسند شدند. اگر این پیروزی ها تداوم داشته باشد و انگیزه بازیکنان بالا رود بی شک شاهین به رتبه خوب خواهد رسید. مسئولین استانی هم می بایست شاهین را حمایت کند، چون این تیم بوشهری بعد از چندین سال به لیگ برتر صعود کرده و نیازمند حمایت همه جانبه ای است. امید است سرمربی شاهین در راه هماهنگی تیم شاهین زمان را از دست ندهد و تا مشکلی پیش نیامده بوشهر را به جایگاه اصلی اش در فوتبال برساند.